



حقیقت نماز!



محمد تقی صرفی پور

مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و
صلوات بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت
طاهرینش.

یکی از جلوه های مهربانی و رحمت خداوند رحیم
آنست که اجازه داده در برابرش نماز بخوانیم و از
دهها بلکه صدها برکت نماز بهره مند شویم.

در حالی که برای ملاقات با پادشاهان و روسای
جمهور باید از دهها موانع بگذریم شاید موفق با
دیدار با آنها بشویم ولی خداوند قادر متعال که همه

قدرتها درمقابلش ذلیل و خاضعند، به همه بندگان
بدون هیچ تمایز و تبعیضی اجازه داده تا هر ساعتی
خواستند با او در نماز ملاقات کنند. با او حرف بزنند
و خواسته های خود را در قنوت به هر زبانی
خواستند بگویند و او را تسبیح و تقدیس نمایند .

نماز یه ظاهر دارد که شامل واجباتی که بصورت
قیام و رکوع و سجده و تشهد انجام می شود و یک
باطنی دارد که اگر کامل و درست انجام شود انقدر
زیبا و نورانی و الهی است که هیچ عملی به پای
نماز در این جهت نمی رسد.

در این کتاب تلاش شده از ابعاد مختلف به نماز
پرداخته شود شاید قدمی در راه اشاعه فرهنگ نماز
برداریم.

پاییز ۹۶- کرمانشاه

ما برای نماز خواندن خلق شده ایم

خداوند انسان را برای عبادت که مهم ترین جلوه آن در نمازهای یومیه است خلق نموده است تا در صورتی که نماز را درست بجا بیاوریم به کمال برسیم. و بهترین نماز، آن نمازی است که با خشوع باشد که خداوند در سوره مومنون، یکی از ویژگیهای مومنین را خواندن نماز با خشوع ذکر کرده است.

نماز با خشوع بالاترین لذت معنوی

اگر نمازگزار نماز را با حضور قلب و خشوع بخواند
لذتی معنوی در خود می یابد که بقول ایه الله بهجت:

مرحوم حضرت آیت الله العظمی بهجت می فرمود:
آقای میرزا حسین میرزا خلیل (رحمه الله علیه) در
سن نود سالگی می فرموده است؛

غذا خوردن برای من مانند این است که انبان و
کیسه ای را پر کنم. من از خوردن غذا هیچ لذت
نمی برم، آن چه از آن لذت می برم نماز خواندن
است.

شخصی می گفت: این عالم نودساله بعد از نماز
صبح در بالا سر حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

حقیقت. نماز!

در مصلی می ایستاد و تا طلوع آفتاب به نماز
مشغول می شد^۱

و باز ایه الله بهجت می فرمود :

اگر سلاطین عالم می دانستند در نماز چه لذتی
هست، همه سلطنت های خود را رها می کردند و
نماز را یاد می گرفتند. حیف که نمی دانند چه لذتی
دارد!^۲

در محضر حضرت آیت ا.... العظمی بهجت - ص ۱۰۵

^۱ محمد حسین رخشاد

توصیه- <http://www.dana.ir/news/678488.html>^۲

جالب-آیت-الله-بهجت-به-پادشاهان

عنایت امام رضا (علیه السلام) در حق علامه طباطبائی

مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی انصاری همدانی

میفرمودند

در حرم امام هشتم حضرت رضا علیه السلام ،
مرحوم علامه طباطبائی را ملاقات کردم و این در
حالی بود که تازه به فراق مرحوم آیت الله حاج شیخ
محمد جواد انصاری همدانی رحمه الله علیه گرفتار
شده بودیم لذا در آن ایام و در همان ملاقات با عطش
خاصی از مرحوم علامه خواستم که از الطافی که

حقیقت. نماز!

امام رضا علیه السلام به ایشان داشته اند مطلبی را

. بیان فرمایند مرحوم علامه امتناع کردند

:پس از آنکه ایشان را به حق امام قسم دادم فرمودند

دو تا از الطافی که حضرت داشته اند بیان میکنم ،

اول اینکه :

مدتی است که نمیتوانم بخوابم چون میبینم تمام اشیاء

اطراف مشغول به ذکر پروردگار هستند در نتیجه

حیا میکنم بخوابم (یسبح لله ما فی السموات و ما فی

. الارض)

کم ز خروسی مباش مشت پری بیش نیست از دل

شب تا سحر خدا خدا میکند

حقیقت. نماز!

دوم اینکه:

وقتی نماز میخوانم یک سید محمد حسین دیگری در

عالم بالا نظاره گر به نمازم در پایین است (این

است معنای الصلاه معراج المومن¹

نماز باخشوع

نماز باخشوع یعنی نماز گزار خود را در مقابل

عظمت الهی می بیند لذا از خوشحالی اینکه در

مقابل خداوند مهربان است اشگش جاری می شود

¹ پندهای حکیمانه علامه حسن زاده آملی

گاهی بدنش به لرزه می افتد. گاهی انقدر غرق
عظمت الهی می شود که از حوادث اطراف خود
هیچ چیز احساس نمی کند و گاه به درجه ای از
خشوع می رسد که: رسد آدمی به جایی که بجز خدا
نبیند!

در این موقع احتمال بیهوش شدن و یا جان بجان
افرین تسلیم کردن زیاد است.

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱). به راستی که مؤمنان رستگار
شدند (۱). الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲).
همانان که در نمازشان خاشع و ترسانند (۲)^۱

^۱مؤمنون آیه ۲۱

حقیقت نماز!

اولین کسانی که نمازشان با خشوع کامل بوده است
چهارده معصوم بوده اند.

امیرمؤمنان (علیه السلام) شبی هزار رکعت نماز می خواند
واز کثرت سجده، پیه شانش پینه می بست. هفتادبار از
خوف خدا، غش کرد و بیهوش شد. در هنگام نماز، تیر را
از پایش درآوردند، متوجه نشد. در موقع نماز رنگ
برنگ می شد و دچار ترس و لرز می گردید.

نماز فاطمه زهراء (سلام الله علیها) نماز با خشوع کامل
بوده است. پدرش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)
درباره نمازش چنین تعریف می کند:

هر گاه که او در محراب در مقابل خدای ذوالجلال
قرار می گیرد، نورش برای ملائکه مشخص است

همانطور که نور ستاره برای اهل زمین مشخص است
و خدا به ملائکه می فرماید: ای فرشتگان من! به فاطمه
نگاه کنید که او سرور کنیزان من است و در
پیشگاه من مشغول عبادت است در حالی که
استخوانهایش از خوف من می لرزد و با دلش مرا
عبادت می کند. من شمارا شاهد می گیرم که شیعیان
او را از آتش ایمن گردانیدم.

امام رضا (ع) پیراهنی به «دعبل» هدیه داد...

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که آن حضرت
پیراهنی به «دعبل» هدیه داد و به او سفارش کرد: این پیراهن
را خوب نگهداری کن (و قدر آن را بدان) که من با آن، هزار

شب و هر شبی هزار رکعت نماز خوانده ام و هزار ختم قرآن کرده ام^۱

علت رحلت بعضی بزرگان در نماز

اینکه عالمانی چون آیه الله سید احمد کربلایی یا آیه الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی یا آیه الله شیخ علی کاشانی در حال نماز از دنیا رفتند، زیرا نتوانستند عظمت الهی را که در نماز حس کردند تحمل نمایند و از شوف روحشان به لقاء الله پیوست.

^۱. بحار الانوار: ج ۸۲ ص ۳۱۰

اینکه فرمودند نماز معراج مومن است یعنی می تواند
با خشوع در نماز، به عرش الهی بالابروود و ذره ای
از عظمت الهی را مشاهده نماید.

کسانی که به این لذت دست پیدا کردند دیگر دنیا و
انچه در آنست برایشان بی ارزش می گردد.

داستان جوان عاشق

داستان زیر بیانگر مطلب مذکور است:

ملاحسن فیض کاشانی در دیوان خود داستان
جوانی را به صورت شعر ذکر کرده که من
خلاصه آن را بصورت نثر می آوریم:

روزی جوانی هیزم شکن، سر راهش به دختر حاکم که با همراهان خود می گذشت بر خورد و با یک ناگاه به او عاشق دختر شد. جوان گرفتار عشق چون می دانست رسیدن به این دختر برای او ممکن نیست به نزد حکیمی رفت و از او برای حل مشکلش چاره چوئی کرد. حکیم به او پیشنهاد کرد که به خرابه ای که او شهر بود برود و شبانه روز به عبادت و نماز بپردازد. جوان که چاره دیگری نداشت حرف او را قبول نمود و با سجاده نماز بطرف خرابه رفت و در آن جا سجاده اش را پهن کرد و مشغول عبادت شد. چند روزی گذشت و مردم هنگام ورود و خروج از شهر چشمتان به جوان عابد می افتاد و توجه شان جلب می شد. کم کم صحبت درباره آن جوان در

میان مردم شهر شایع شد وهم درباره عبادت این جوان صحبت می کردند. کمکم این صحبتها به گوش حاکم رسید و او تصمیم گرفت که از این جوان عابد! دیدار کند. حاکم با همراهانش به خرابه رفت و مدتی نظاره گر عبادت‌های جوان شد. سپس به کاخ برگشت. چند روز بعد دوباره حاکم نزد جوان رفت و این بار به جوان پیشنهاد کرد که: چون من پسری ندارم که جانشینم شد یا و دخترم را بگیر تا تو بعد از من جانشین من شوی! جوان قبول کرد و به دستور حاکم برای او لباسهای زیبا آوردند و با شکوه زیاد او را به کاخ حاکم بردند. وقتی جوان وارد کاخ شد و چشمش به آن همه شکوه و جلال ظاهری افتاد ناگاه انقلابی در دلش پیدا شد و با خود گفت: تو

مدتی نمازقلابی خواندی به اینجا رسیدی اگر
نماز حقیقی بخوانی به کجامی رسی؟ لذا
برگشت و عشق دختر را از دلش بیرون کرد
و عاشق خدا شد.¹

این داستان به ما می فهماند که نماز برای رسیدن به
خواسته های مادی و معنوی بسیار کارساز است.

کسانی که مشکل دارند رو به نماز بیارند

کسانی که مشکل دارند افرادی که شغل ندارند.
افرادی که بیماری دارند. افرادی که اضطراب دارند .
افرادی که دنبال همسر و ازدواجند.

¹دیوان طاق‌دیس نراقی

حضرت حجه الاسلام و المسلمین هاشمی نژاد می
فرمودند:

یک پیرمرد مسنی ماه مبارک رمضان « مسجد لاله
زار» می آمد خیلی آدم موفق بود همیشه قبل از
اذان توی مسجد بود

به او گفتم حاج آقا شما خیلی موفق هستید من هر
روز که مسجد می آیم می بینم شما زودتر از ما آمده
اید جا بگیرید

گفت: نه آقا من هر چه دارم از نماز اول وقت
دارم. بعد گفت: من در نوجوانی به مشهد رفتم

مرحوم « حاج شیخ حسن علی نخودکی » باغچه ای
در نبودک داشت به آنجا رفتم و ایشان را پیدا
کردم و به ایشان گفتم: من سه حاجت مهم دارم دلم
می خواهد هر سه تا را خدا توی جوانی به من
بدهد. یک چیزی یادم بدهید

فرمودند: چی می خواهی؟

گفتم: یکی دلم می خواهد در جوانی به حج مشرف
شوم. چون حج در جوانی یک لذت دیگری دارد

فرمودند: نماز اول وقت به جماعت بخوان

گفتم: دوّمین حاجتم این است که دلم می خواهد
یک همسر خوب خدا به من عنایت کند

فرمودند: نماز اول وقت به جماعت بخوان

سوم اینکه خدا یک کسب آبرومندی به من عنایت
فرماید

فرمودند: نماز اول وقت به جماعت بخوان

این عملی را که ایشان فرمودند من شروع کردم و
توی فاصله ی سه سال، هم به حج مشرّف شدم هم

زن مؤمنه و صالحه خدا به من داد و هم کسب با
آبرو به من عنایت کرد.^۱

افرادی که فرزند ندارند. افرادی که فتنه ای انها را
اذیت می کند. شری دامنگیر آنها شده است. افرادی
که در حال جنگ با دشمنند. افرادی که دوران
سربازی خود را می گذرانند. افرادی که شغل پر
استرس و سختی دارند.

افرادی که مدیر قسمتی هستند. افرادی که نظامی
هستند. افرادی که مسئولیت امنیتی دارند. کسانی که
مسئولیت‌های مهمی دارند. و...

^۱داستانهایی از مردان خدا صفحه ۵

حقیقت. نماز!

همه اینها اگر نماز باخشوع بخوانند کارها برایشان آسان می شود. گره ها باز می گردد. خواسته هایشان برآورده می شود. و به اهداف خود می رسند. به شرطی که نمازشان با خشوع و حضور قلب باشد. عظمت الهی را احساس کنند. در نماز، گریه از ته قلبشان بکنند.

این همان نمازی است که انسان را از فحشا و منکرات باز می دارد!.

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

(۴۵ عنکبوت) حقیقتاً نماز انسان را از فحشا و منکرات باز می دارد.

این نماز جلو لواط و زنا و روابط نامشروع را می گیرد. این نماز جلو دزدی را می گیرد. این نماز جلو ظلم کردن را می گیرد. جلو جنایت را می گیرد.

ادمی که نماز با خشوع می خواند، دنبال کارهای زشت نمی رود و نماز مانند سدی محکم از اینکه آلودگی پیدا کند، او را حفظ خواهد کرد.

این همان نمازی است که انسان را به خدا نزدیک می نماید.^۱

حضرت علی (ع) فرمودند: « الصلاة قربان کل تقی، نماز خواندن، برای هر شخصی پرهیزگار وسیله نزدیکی به خدا است ». نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۳۶

حقیقت نماز!

این همان نمازی است که محبوب الهی است و
خداوند آن را می پذیرد و در عوضش گناهان او را
می بخشد.^۱

این همان نمازی است که اگر آدمی بداند چقدر
رحمت الهی او را فرا گرفته هیچگاه سر از سجده بر
نمی دارد!^۲

:- قال رسول الله - صلى الله عليه و اله

من صلى ركعتين، ولم يحدث فيهما نفسه بشيء من أمور الدنيا،
غفر الله له ذنوبه؛

کسی که دو رکعت نماز بخواند و در آن دو رکعت، قلب خود را
به چیزی از امور دنیا مشغول نکند، خداوند گناهانش را می آمرزد.
^۱(بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۹)
:- قال علي - عليه السلام

حقیقت. نماز!

این همان نمازی است که ابلیس را سخت عصبانی می کند و او را هزاران فرسخ از ادمی دور می

این همان نمازی است که انسان را عبد و بنده خدا می کند.

لویعلم المصلی ما یغشاه من الرحمه لما رفع راسه من السجود؛
اگر نمازگزار بداند که چقدر از رحمت (خداوند تعالی) او را فرا
گرفته است، سرش را از سجده بر نمی دارد.
2(غرر الحکم، ص ۲۶۱)

:- عن الامام المهدی - علیه السلام
ما ارغم انف الشیطان بشیء مثل الصلاه فصلها و ارغم انف
الشیطان؛

هیچ چیز مثل نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد و او را خوار
نمی کند، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال
1(بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲)

حقیقت. نماز!

این همان نمازی است که باعث می شود انسان
هیچوقت در ضرر و خسارت نیافتد.^۱

این همان نمازی است که زاد و توشه دنیا و آخرت
مومن است.^۲

:- قال الصادق - علیه السلام

ما خسر و الله من اتى بحقيقه السجود و لو كان فى العمر مره
واحده؛

به خدا قسم کسی که حق سجود را به جای آورد و سجده حقیقی
نماید، به هیچ عنوان زیان متوجه او نشود، گرچه در تمام مدت
عمر چنین سجودی را یک بار به جای آورد
(بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۲۶)

:- قال رسول الله - صلى الله عليه و اله

الصلاه زاد للمومن من الدنيا الى الآخرة؛
نماز زاد و توشه مومن در دنیا برای آخرت می باشد

اگر انسان می خواهد دژی محکم در مقابل شیطان داشته باشد، باید نماز با خشوع بخواند.^۱

اگر می خواهید درهای آسمان باز شود تا اعمال انسان بالا برود و مورد قبول درگاه الهی قرار گیرد نماز با خشوع و در اول وقت آن بخوانید.^۲

^۲ (بحار الانوار، ج ۸۲ ص ۲۳۲)

:- قال علی - علیه السلام

الصلوه حصن من سطوات الشیطان؛

نماز دژ و قلعه مستحکمی است که نمازگزار را از حملات شیطان نگاه می دارد.

^۱ (غرر الحکم، ص ۵۶. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶۷)

:- قال الصادق - علیه السلام

إذا دخل وقت صلاه فتحت ابواب السماء لصعود الاعمال؛

علامت های نماز با خشوع

خشوع در نماز باعث تغییر حالت نمازگزار می شود.

در اینجا گزارشی از تغییر حالت کسانی که عظمت الهی را درک کردند می آوریم شاید در ماهم اثر کند و ماهم بتوانیم نماز باخشوع بخوانیم:

هنگامی که وقت نماز فرا می رسد، درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال باز می شوند.

²(وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۷)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هرگاه که به نماز می ایستاد، صورت مبارکش از خوف خداوند متعال تغییر می کرد و دگرگون می شد.^۱

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در حال نماز از شدت ترس از خداوند تبارک و تعالی نفسش به شماره می افتاد^۲

هنگامی که امام حسن مجتبی (علیه السلام) به نماز می ایستاد، تن مبارک حضرتش در مقابل پروردگار می لرزید^۳

هرگاه وقت نماز می رسید، پوست بدن امام زین العابدین (علیه السلام) می لرزید و رنگ چهره اش زرد

^۱ (بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۸)

^۲ (بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۵۸)

^۳ (بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۸)

می شد و مانند برگ درخت خرما، بر اندام مبارکش
رعشه می افتاد.^۱

همه در نماز به خنده افتادند جز ایه الله خامنه
ای

داستان زیر رو حاج آقای راشد یزدی تعریف کرده
اند.:

موقعی که (در زمان تبعید مقام معظم رهبری) در
ایران شهر در محضر حضرت آیت الله خامنه ای بودم،
روزی عده ای از علمای قم برای ملاقات ایشان
آمده بودند؛ وقت نماز همه برای اقامه نماز جماعت
به امامت معظم له [حضرت آیت الله خامنه ای]
آماده شدند. همین طور که نماز جماعت بر پا بود،

^۱ بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۷

ناگهان بزغاله ای وارد اتاق شد و شروع کرد به این طرف و آن طرف پریدن و در آخر سجاده یکی از نمازگزاران را برداشت و با خود برد! چند نفر از نمازگزاران به کُلی آرامش خود را از دست دادند و خندیدند که یکی از آن ها من بودم و از خنده ما دیگران نیز به غیر از آقا خندیدند و آقا نمازشان را بدون هیچ گونه حرکت اضافی به پایان رساندند بعد از نماز از آقا پرسیدم که شما چطور توانستید نمازتان را ادامه دهید؟ آقا فرمودند: در مورد چی؟ عرض کردم به خاطر بزغاله ای که وارد اتاق شده آقا فرمودند: ذره ای از این جریان متوجه بودم. نشدم.^۱

این همان نمازی است که وقتی نمازگزار به آن می پردازد همه چیزهایی که در اطراف اوست صدای تسبیحشان را می شنود چنانچه در حالات آخوند ملامحمدکاشی آمده است که:

ایشان حالات غریب و مکاشفاتی داشتند که همگی دلالت بر عظمت روحی آن بزرگوار می کند. چنانچه می گویند در نمازش در سوره حمد آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را گاه بیش از صد بار به حالت خضوع و خشوع تکرار می کرد تا آنکه به حالت بی هوشی نقش بر زمین می شد.

حاج آقا رحیم ارباب که پیوسته ملازم محضر درس و خدمت آخوند کاشی بود نقل می کنند که: «یک روز عصر آخوند به من فرمود: آقا رحیم، امشب برای غذا بی میل نیستم که بادمجان بخورم، و این از نوادر بود که آخوند میل به غذای پختنی کرده بود، چون معمولاً به غذای ساده اکتفا می نمود. من رفتم مقداری بادمجان خریدم و آنها را آماده کردم که در پستوی حجره آنها را سرخ و مهیا نمایم. کم کم مغرب شد و آخوند به نماز ایستاد، حالتی پیدا کرد که گفتنی نیست. آنچنان با خدا مناجات می کرد که گویی تمام درختان مدرسه با او هم‌نوا شده و می خوانند: «سبوح قدوس رب الملائکه و الروح». غرق در عوالمی بود که گویا در زمین نبود و حضور مرا در آن مکان به کلی از یاد برده بود. من مات و

متحیر و مبہوت آن صحنہ ملکوتی بودم کہ ناگاہ بہ
خود آمد و من ہم بہ خود آمدم در حالی کہ دودی
غلیظ تمام حجرہ را فرا گرفتہ بود و در آن عالم
حیرت بادمجانہا ہمہ در تابہ سوختہ و ذغال شدہ
بود. آخوند ہم بدون آنکہ چیزی از آن حال و جذبہ
بہ روی خود بیاورد فرمود: آقا رحیم بادمجان
سوخت؟ طوری نیست امشب ہم حاضری خودمان
را می خوریم!

آقا رحیم ارباب باز می فرمودند:

شما آخوند کاشی را ندیدہ بودید، وقتی آخوند بہ
طرف خدا می ایستاد و نماز می خواند استخوانہای
سینہ اش می لرزید و حالتی داشت کہ ہمہ در و
دیوار مدرسہ صدر جذب می شد

مرحوم آخوند گزی اصفهانی از علمای برجسته
اصفهان و معاصر با آخوند کاشی بودند نقل می کنند
که: من یک شب در مدرسه صدر اصفهان میهمان
یکی از طلبه ها شدم. در آن شب احساس کردم در
و دیوار و درخت ها مشغول ذکر گفتند. آمدم درب
حجره آخوند کاشی دیدم ایشان با یک حالت
مخصوصی مشغول نماز خواندن هستند و من
احساس کردم در و دیوار و درخت ها همراه
آخوند ذکر می گویند.

همچنین آقا رحیم ارباب نقل می کنند: یک شب من
از اتاقم به قصد وضو به صحن مدرسه آمدم که نماز
شب را بخوانم وقتی از اتاق بیرون آمدم دیدم

صدای همهمه ای می آید هر چه نگاه کردم دیدم همه جا خاموش است ولی از همه جا و درختان و در و دیوار نجوایی که مانند ذکر بود به گوش می رسید. رفتم وضو خانه دیدم آن جا هم صدا می آید، تعجب کردم که این صدای ذکر از کجاست؟ آمدم در ایوان نماز بخوانم متوجه شدم که مرحوم آخوند کاشی در قنوت و نماز وترشان ذکر می گویند و گریه می کنند. و در و دیوار هم اذکار را با او تکرار می کنند. من همینطور ایستادم و به او نگاه کردم تا نماز صبح شد و دیدم که سر و صدا تمام شد¹

حجت الاسلام سید باقر شفتی

این سید بزرگوار، پیوسته مراقب باری تعالی بود و چیزی او را از حالت حضور و مراقبت باز نمی داشت

1 آخوند-ملا-محمد-کاشانی-کاشی/878/buyesib.com/http://

، گوشه های چشم او از کثرت گریه کردن در مقام
تهجد مجروح شده بود

یکی از نزدیکان این بزرگوار گفته است: با آن مرحوم
به یکی از روستاها رفتیم و شب را در راه گذرانیدیم .
سید به من فرمود: نمی خوابی؟ من رفتم که بخوابم ،
چون سید گمان کرد که من خوابیدم، برخاست و
مشغول نماز شد، به خدا قسم دیدم بندهای دوش
و اعضایش می لرزید به طوری که کلمات نماز
را از شدت حرکت فکین و اعضا مکرر می نمود
تا آن را صحیح ادا کند¹

¹. قصص العلماء: ۱۳۷، ۱۳۳

حقیقت. نماز!

این همان نمازی است که وقتی فرد آن را بجا می آورد نشاط و شادابی عجیبی در خود احساس می کند.

این همان نمازی است که حجاب های معرفت را کنار می زند و نمازگزار به ملکوت اسمانها و زمین ها نظر می نماید

نماز ایه الله محمد جواد انصاری

دکتر علی انصاری (فرزند مرحوم انصاری

:همدانی) بیان می کند

آقای انصاری در شبستان حاج محمد «

طاهر، در مسجد جامع همدان نماز می خواند و افرادی که با ایشان نماز می خواندند همان افراد خاصی بودند که نسبت به آقا شناخت داشتند. و بعد از نماز مغرب و عشاء ایشان همراه چند تن از شاگردانشان به منزل می آمدند و من هم همراه پدرم بودم. این ها بعد از نماز طوری حالشان منقلب می شد که هیچ کدام یارای صحبت کردن نداشتند و کاملاً در سکوت و

.خلوت خودشان فرو رفته بودند

یک بار که از مسجد بر می گشتیم یکی از
دوستان آن چنان انقلاب روحی شدیدی
پیدا کرده بود که به نفس نفس افتاده بود و
.بلاانقطاع اشک می ریخت

هوا هم سرد و زمستانی بود. به منزل که
رسیدیم، همه رفتند زیر کرسی نشستند،
ولی ایشان از شدت حرارتی که داشت

بیرون کرسی افتاده بود و آن قدر سینه اش
حرارت داشت و نفس نفس می زد که
مرحوم ابوی فرمود: بروید روی سینه اش
• برف بگذارید

برف را که روی سینه ایشان گذاشتند، مثل
این بود که برف را روی بخاری گذاشته
• بودند، چیز ... این طور صدا می کرد

آقای اسلامیه از شاگردان ایشان، در احوال
استادش می گوید:
گاهی بعد از نماز همین طور که رو به «
قبله بودند، شاگردانشان متوجه می شدند
که ایشان در حالت عادی نیست و از خود
بی خود است^۱

^۱ kash-kool.blogfa.com/9312.aspx

این همان نمازی است که وقتی هزار رکعت می
خواند هیچ احساس خستگی نمی کند همان گونه که
وقتی علامه امینی هزار رکعت نماز میخواند، از او می
پرسیدند آیا شما خسته نمی شوید؟ فرمود:

مگر ماهی از شنا خسته می شود که من از نماز
خواندن خسته شوم؟^۱

این همان نمازی است که وقتی خوانده می شود همه
قفلها باز می گردد، همان طور که در داستان زیر آمده
است:

^۱. حیات عارفانه فرزندگان، ص ۵۷

معجزه نماز آیه الله قمی

بدنبال حرکت آیه الله حاج آقا حسین قمی (متوفای ۱۳۶۶ ق) به شهر ری که بخاطر اعتراض نسبت به جسارت‌های ضد مذهبی رضاخان صورت پذیرفت محل اقامت ایشان که در جوار حرم حضرت عبد العظیم بود محاصره شد. وی در یکی از شبها به قصد زیارت به مأموری که نگهبان در باغ بود فرمود

در را باز کن تا به زیارت مشرف شوم. مأمور از باز کردن در خودداری نمود و به درخواستهای مکرر او گوش نداد و اعتنا نمی‌کرد. آیه الله قمی (رحمه الله) خطاب به نگهبان فرمود: ما خود در را باز می‌کنیم و می‌رویم و احتیاجی به تو نداریم. سپس دو رکعت نماز به جا آورد و پس از آن دعایی خواند در این هنگام در باغ خود به خود باز شد و ایشان از باغ خارج

گردید و پس از ورود به حرم مطهر و انجام زیارت به باغ بازگشت.^۱

توصیف و تعریف نماز از دیدگاه امام خمینی -

رحمه الله علیه

ابتدا برای آگاهی از دیدگاه امام خمینی - رحمه الله علیه - نمونه‌هایی از توصیف‌های آن نمازگزار حقیقی را درباره‌ی نماز بیان می‌کنیم، شاید بتوان گفت کامل‌ترین سخن ایشان درباره‌ی نماز این جمله است که می‌فرمایند: سرمایه‌های سعادت عالم آخرت و وسیله‌ی زندگانی روزگارهای غیر متناهی نماز

۱. کرامات علماء، ص ۱۶۴

[است. ۲]

تعبیر دیگر ایشان، عبارت «نسخه‌ی جامعه» است،
نسخه‌ای که پروردگار برای رهایی جان قدسی انسان
از قفس طبیعت، تجویز کرده است. ایشان
می‌فرمایند: معلوم می‌شود که حقیقت این عبادت
الهی و نسخه‌ی جامعه که برای خلاصی این
طایره‌ای قدسی از قفس تنگنای طبیعت به کشف تام
محمدی ترتیب داده شده و به قلب مقدسشان نازل
[گردیده ... ۳]

در سخنی دیگر بیان می‌کنند که این نسخه‌ی کامل
«ترکیب قدسی» الهی است و همانند دیگر افعال و
احکام الهی بر پایه‌ی حکمت و قوانین حضرت حق
بنا نهاده شده است. ایشان می‌فرمایند: نماز که یکی

از ترکیبات قدسیه است که بیدّی الجلال و الجمال

[فراهم آمده است و تسویه شده است ...] ۴

پس از آنکه حضرت آدم و حوا - علیهما السلام - از

جوار پروردگار به عالم خاک هبوط کردند، یزدان

مهربان دریچه‌ی ذکر خویش را به روی آدم و حوا

گشود و مرکبی فراهم کرد تا آنان این فاصله را با

مراتب و منازلش از مبدأ طبیعت تا مقصد قرب الهی

پیمایند

خداوند همان گونه که پیامبر خود را به معراج قربش

برد و حقایق ملک و ملکوت را به او شناساند،

حضرت آدم - علیه السلام - و همه‌ی فرزندان او را

که دور افتادگان از عالم قدس‌اند به واسطه‌ی نماز به

محضر انس خویش بار داد. امام - رحمه الله علیه -

در این باره می‌فرمایند: نماز، مرکب سلوک و براق
[سیر الی الله است]. ۵

و نیز می‌فرمایند: براق سیر و رفرع عروج اهل
[معرفت، نماز است]. ۶

حضرت امام - رحمه الله علیه - در تعبیری براق
(اسبی است که پیامبر - صلی الله علیه و آله - را به
معراج رساند) و رفرع را دربارهی نماز بسیار به کار
برده‌اند. نکته‌ی مهم آن است که قدرت و توان این
مرکب و میزان بهره‌مندی از آن، به ظرفیت و توان
معنوی سالک و راکب آن بستگی دارد. حضرت امام
- رحمه الله علیه - در ادامه می‌فرمایند: و هر کسی
از اهل سیر و سلوک الی الله را نمازی مختصّ به
خود او و حظ و نصیبی است از آن، حسب مقام

خود ... [۷]

هنگامی که دریافتیم نماز «نسخه‌ی جامعه‌ی» الهی برای انسان است، جایگاه نماز در بین عبادت‌های دیگر آشکار می‌شود. آیات و اخبار، مشهورترین مرتبه نماز را «عمودیت» آن برمی‌شمارند. حدیث امام علی - علیه السلام - در ابتدای مقاله، گویای این مرتبه و لوازم ویژه است. امام خمینی - رحمه الله علیه - با اشاره به این نکته می‌فرمایند: ... نماز که در بین عبادات و مناسک الهیه، سمت جامعیت و

عمودیت دارد ... [۸]

یا این که

و در جمع عبادات، خصوصاً نماز که سمت جامعیت دارد و منزله‌ی آن در عبادات، منزله‌ی انسان کامل

است و منزله‌ی اسم اعظم، بلکه خود اسم اعظم
[است... ۹]

راز این جامعیت همان است که در حدیث پیامبر -
صلی الله علیه و آله - بیان شده است: «لَا صَلَاةَ
تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَحْمِيدٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ تَمْجِيدٌ وَ تَقْدِيسٌ^{۱۰}
وَ قَوْلٌ وَ دَعْوَةٌ» [۱۰] زیرا نماز هم تسبیح است و هم
تهلیل و هم ستایش و هم تکبیر و هم تقدیس و هم
گفتار است و هم خواستن

یکی دیگر از تعبیر امام - رحمه الله علیه - درباره‌ی
نماز «معجون الهی» و «حبل متین» است. ایشان
می‌فرمایند: اگر روزگاری به عارفی ربانی مهلت دهد،
می‌تواند تمام منازل سائرین و معارج عارفین را از

منزلگاه یقظه تا اقصای منزل توحید از این معجون
[الهی و حبل متین بین خلق و خالق خارج کند.] ۱۱

پاورقی:

۱. آداب الصلوه، ص ۴۵ . [2]

اسرار نماز یا معراج السالکین و صلوه . [3]

العارفین، امام خمینی - رحمه الله علیه - ، ص ۱۰

اسرار نماز، ص ۱۷ . [4]

همان، ص ۷ . [5]

همان، ص ۶ . [6]

اسرار نماز، ص ۶ . [7]

آداب الصلوه، ص ۹ . [8]

آداب الصلوه، ص ۹ . [9]

بحار الانوار، ج ۸۲، روایت، ۵۶، باب ۱، . [10]
ص ۲۳۱.

اسرار نماز، ص ۵۷ . [11]^۱

¹<http://merajh.blogfa.com/post/687>

چه اعمالی باعث می شود بر کمال نماز افزوده شود

اول : بعد از سلام سه مرتبه «الله اکبر» بگوید

دوم : تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها

امام صادق (علیه السلام) فرمود: تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) بعد از هر نمازی محبوبتر است به سوی من از هزار رکعت نماز در هر روز.

سوم: خواندن آیه الکرسی

چهارم: در کتاب شریف محاسن برقی در باب ۵۶ به سند صحیح از اسحاق بن عمار نقل کرده است که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کسی که بعد از نماز واجب هنوز زانوهای را از حالت نماز تغییر نداده ، ده مرتبه بگوید: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا لم يتخذ صاحبه و لا ولدا. خداوند متعال از او چهل هزار هزار گناه را محو فرماید، و چهل هزار هزار حسنه در نامه عملش ضبط فرماید، و مثل کسی هست که دوازده مرتبه قرآن خوانده . پس حضرت به من التفات نموده فرمود: من صد مرتبه می گویم و شما ده مرتبه بگویید.

پنجم: خواندن قل هو الله احد است . فرمود امام صادق صلوات الله علیه : کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، پس ترک نکند قرائت سوره قل هو الله را بعد از هر نماز واجب ؛ که کسی که بخواند، خدا برای او خیر دنیا و آخرت را جمع کند و پدر و مادر او را بیمارزد.

ششم: خواندن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر سی مرتبه است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که این کلمات را سی مرتبه بعد از نماز بگوید، دفع شود از او خراب شدن خانه و غرق شدن و سوختن و افتادن در چاه و خوردن حیوان درنده او را و مرگ بد. و سایر بلیات که نازل می شود در آن روز، از همه محفوظ ماند.

هفتم: سجده شکر

در روایات زیاد تاءکید شده و ترغیب به آن مکرر فرموده اند. و این سجده ادای شکر توفیق خداست بنده اش را به نماز و عبادت ، و موجب زیادی توفیق و رضایت پروردگار است . و اگر در نماز تقصیری بوده که به نافله ها تمام نشده ، به این سجده تمام می شود.

و اقل ذکر آن چنین است که سه مرتبه بگوید: «شکرا لله . شکرا لله . شکرا لله» و طول دادن و زیاد گفتن آن مستحب است بهتر آنکه صد مرتبه بگوید: «شکرا شکرا» یا صد مرتبه : «عفوا عفوا». و تمام آنچه گفتیم . کلام امام (علیه السلام) بوده است

هشتم: دعا برای فرج امام زمان (علیه السلام)

آیت الله مجتهدی_تهرانی (ره): فرمودند:

یک روز در ایام تحصیل در نجف اشرف، پس از اقامه نماز پشت سر آیت الله مدنی، دیدم که ایشان شدیداً دارند گریه می‌کنند و شانه‌هایشان از شدت گریه تکان می‌خورد، رفتم پیش آیت الله مدنی و گفتم: ببخشید، اتفاقی افتاده که این طور شما به گریه افتاده‌اید؟

ایشان فرمودند: یک لحظه، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

را دیدم که به پشت سر من اشاره نموده و فرمودند: آقای مدنی! نگاه کن! شیعیان من بعد از نماز، سریع می‌روند دنبال کار خودشان و هیچکدام برای فرج من دعا نمی‌کنند.

حقیقت. نماز!

انگار نه انگار که امام زمانشان غایب است! و من از گلایه امام
زمان (عج) به گریه افتادم.^۱

خداوند به او رو می‌آورد

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «همانا دوست
دارم شخص با ایمان هنگامی که به نماز واجب
می‌ایستد، دلش را به سوی خدا کند و به کار دنیایی
مشغول ندارد. هیچ شخص با ایمانی در نماز دل به
سوی خدا نمی‌کند، مگر این که خداوند به او رو
می‌آورد و دل‌های مؤمنان را به خود علاقه مند
می‌سازد، پس از آنکه خود نیز به او اظهار علاقه
می‌کند.»

^۱. مهربان‌تر از مادر

حضور قلب

امام صادق علیه السلام درباره حضور قلب در نماز می‌فرماید: «هنگامی که به قبله رو کردی، دنیا و آنچه در آن است و مردم و آنچه در پی آن هستند را فراموش کن و به چشم دل بزرگی خدا را بنگر و ایستادنت را در پیشگاهش، آن روز که هر کس از آنچه فرستاده آگاه می‌شود و به سوی مولای حقیقی‌اش بازگردانده می‌شود به یاد آر؛ ایستادنی بر یک پای ترس و یک پای امید. پس هنگامی که خدا را بزرگ دانستی و تکبیر گفتی، آنچه را در میان آسمان برین و خاک زیرین است کوچک بشمار. بی گمان آن هنگام که خداوند از دل کسی که او را

بزرگ شمرده، ولی آن را حقیقی نمی‌داند آگاه شود،
می‌گوید: ای دروغگو، آیا مرا گول می‌زنی؟ به
عزت و جلالم سوگند، از شیرینی ذکر محروم
می‌سازم و از نزدیکی به درگاهم و شادمانی مناجاتم،
«مانع می‌شوم».

نماز نیکو

امام صادق علیه السلام درباره آداب نماز نیکو
می‌فرماید: «هنگامی که نماز واجب می‌خوانی، در
وقتش بخوان، همچون نماز کسی که خدا حافظی
می‌کند و می‌ترسد هیچگاه بدان باز نگردد. سپس
نگاهت را به سجده گاهت بدوز. اگر می‌دانستی در
راست و چپت چه کسانی‌اند، نماز را نیکو

می‌گزاردی. پس بدان که در پیشگاه کسی هستی که
«تو را می‌بیند و تو او را نمی‌بینی».

ای فرشتگان من! به بنده‌ام بنگرید که با عبادتش به
من تقرب جسته و پیمانم را به پایان برد. سپس برای
من و شکر نعمت‌هایی که به او بخشیده‌ام، سجده
کرد

نگاه کریمانه

امام صادق علیه السلام درباره مهرورزی ویژه
خداوند به بنده نمازگزارش می‌فرماید: «هنگامی که

بنده نماز را آغاز می‌کند، خداوند با روی کریمانه‌اش به او روی می‌آورد و فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا قرآن را کامل و تمام از لبش برچیند. پس اگر بنده از نمازش روی گرداند، خداوند نیز روی می‌گرداند و او را به همان فرشته می‌سپارد و اگر در همه نمازش به آن متوجه باشد، خدا با روی کریمانه‌اش به او رو می‌کند تا آنکه نمازش کامل و تمام بالا رود. پس اگر در آن دچار فراموشی یا غفلت گردید یا سرگرم به چیزی جز نماز شد، از نمازش همان اندازه بالا می‌رود که به خدا روی داشته است و هیچ چیز به دل «غافل بخشیده نمی‌شود».

امام صادق (ع) فرمودند : وقتی خواستید نماز بخوانید با حال سیری شکم (و به خصوص پس از پرخوری) به نماز نپردازید و همچنین از روی کسالت و تبلی و خواب آلوده یا به حالت چرت زدن نماز نخوان، و نیز نمازت را با عجله و با شتاب نخوان، بلکه با آرامش و سنگینی و وقار نماز بخوان و چون نمازت را شروع کردی بر تو باد که با خشوع باشی و با حضور قلب به نماز متوجه باشی که خداوند عزوجل می فرماید :

«الذین هم فی صلاتهم خاشعون» «به تحقیق آن

مؤمنانی رستگارند که در نماز خویش خاشع و

فروتن اند»^۱

جابر بن عبدالله انصاری: با مولایمان امیر مؤمنان علیه السلام بودم که مردی را دید به نماز ایستاده است. پس به او فرمود: ای مرد، آیا حقیقت نماز را می دانی؟ عرض کرد: ای مولای من، آیا نماز حقیقتی غیر از عبادت دارد؟ پس فرمود: آری. سوگند به کسی که محمد را به نبوت برانگیخت هیچ پیامبری را به کاری از کارها برنیانگیخته،

^۱ من لایحضر الفقیه جلد ۱ صفحه ۴۶۶

جز اینکه متشابه و تأویل و تنزیل دارد و همه
این ها بر عبادت، دلالت می کنند . پس آن مرد
عرض کرد: ای مولای من مرا از آن آگاه کن
حضرت فرمود: حقیقت (هفت) تکبیر آغازین تو
که با آن کارهایی را بر خود حرام می کنی این
است : هنگامی که الله اکبر نخست را می گویی ،
در دلت بگذرانی: خدا بزرگتر از آن است که به
برخاستن و نشستن توصیف شود. و در تکبیر
دوم ، به حرکت و سکون و در سوم، به جسم
بودن یا تشبیه به چیزی کردن یا با چیزی مقایسه
کردن توصیف شود و در تکبیر چهارم در دلت

می گذرانی: (خدا بزرگتر از آن است) که
حالت‌های گوناگون بر او عارض شود یا بیماری‌ها
او را بیازارد و در تکبیر پنجم در دلت می
گذرانی: (خدا بزرگتر از آن است) که به جوهر و
عرض بودن توصیف شود، تا در چیزی حلول
کند یا چیزی در او حلول کند. در تکبیر ششم در
دلت می گذرانی: (خدا بزرگتر از آن است) که
هر چه بر موجودات حادث (پدید آمده) روا
بدانی؛ چون نابودی و جابجایی و دگرگونی از
حالتی به حالتی، بر او نیز روا داری. و در تکبیر
هفتم، اینکه حواس پنجگانه او را دریابد

پس حقیقت کشیدن گردن در کوع آن است که در
دلت بگذرانی: به تو ایمان آوردم ، حتی اگر
گرددنم را بزنی.

و در سر برداشتن از رکوع هنگامی که می گویی:
«خدا به آن که او را می ستاید، گوش می دهد،
سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است»،
حقیقتش این است: کسی که مرا از عدم به وجود
آورد و حقیقت سجده نخست آن است که در
حال سجده در دلت بگذرانی: مرا از آن (زمین)
آفریدی و حقیقت سر برداشتن: و مرا از آن خارج
کردی و سجده دوم: و مرا به آن باز می گردانی و

در سر برداشتن (دوم) به دلت می گذرانی: و بار
دیگر مرا از آن خارج می کنی.

و حقیقت نشستن بر سمت چپ و بلند کردن
پای راست و افکندن آن بر پای چپ این است
که به دلت می گذرانی: خدایا همانا من حق را بر
پا کردم و باطل را میراندم. و حقیقت تشهدت: نو
کردن ایمان و بازگشت به اسلام و اقرار به خیزش
پس از مرگ است و حقیقت سلام دادنها:
بزرگداشت پروردگار سبحان و بزرگ دانستن او
از هر چه ستمکاران می گویند و کجروان
توصیف می کنند. و حقیقت گفته ات: «سلام بر

شما و نیز رحمت و برکات خداوند» ترحمّ از
خداوند سبحان است، یعنی: این (نماز) امانی
برای شما از کیفر روز قیامت است.
سپس امیرمؤمنان فرمود: اگر کسی حقیقت نماز
را اینگونه نداند، نمازش ناقص است^۱

ماهیت نماز

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ
کسی که از ماهیت نماز پرسیده بود، فرمود: «نماز
برای نمازگزار وسیله ی دوستی با فرشتگان،

1 (موسسه جهانی سبطین)ع

هدایت، ایمان، نور معرفت، برکت در روزی،
آسایش تن، ناخشنودی شیطان، دفاع در برابر
کافران، اجابت دعا و پذیرش سایر اعمال است.
نماز مؤمن توشه‌ی آخرت، شفیع هنگام مرگ،
همدم گور و پاسخ پرسش‌های قبر است. نماز
بنده‌ی خدا در رستاخیز، تاجی بر سر وی، نوری
بر چهره و لباسی بر اندام اوست. نماز حایلی
میان فرد و دوزخ است؛ حجتی است بین انسان و
پروردگار، سبب ایمنی از آتش و جواز عبور از
صراط است... بنده با نماز به درجات عالی می

رسد، زیرا نماز، تسبیح، تهلیل، تمجید، تکبیر،
تقدیس، ذکر و دعاست.^۱

^۱ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۱؛ حدیث ۵۶؛

راه خشوع در نماز چیست؟

۱- باید معرفت خود را نسبت به خداوند سبحان بالا ببریم و معرفت از راههای مختلف به دست می آید. یکی از آن راهها خواندن دعای جوشن کبیر و مشلول و یستشیر و مناجات خمسہ عشر است. که پر از معارف عظیم الهی هستند. و در بالا بردن معرفت نسبت به خداوند سبحان نقش مهمی ایفا می کنند.

۲- در نماز خود را در برابر بارگاه با عظمت الهی بدانیم و سعی کنیم تا آخر نماز این حالت را حفظ کنیم و اینکه اگر تو افکار مادی خود باشیم نسبت به خدا بی ادبی کردیم .

در روایت است که هنگام نماز ، امام علی (علیه السلام) به خود می پیچیده و می لرزید از آن حضرت می پرسیدند : ای امیرمؤمنان ! شما را چه شده است می فرمود : وقت ادای امانتی رسیده است که خداوند آن را بر آسمان و زمین و کوه ها عرضه کرد و آنها از تحمل آن ابا کردند . و از آن بیمناک شدند .

نمی ترسد از این که خدای متعال او را به صورت
الاغی مسخ نماید؟

اگر کسی در حالی که با شما سخن می گوید،
رویش را به سویی دیگر کرده و مرتب بالا و
پایین و چپ و راست را نگاه کند، آیا آن را
بزرگ ترین اهانت و بی احترامی به خود تلقی
نمی کنید؟! به راستی عبادت ها و نمازهای ما
«اهانت» است یا «عبادت»؟! در روایتی از
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است
که حضرت می فرمایند: آیا کسی که چنین

نمازی می خواند، نمی ترسد از این که خدای
!متعال او را به صورت الاغی مسخ نماید؟

۳- با دوری از گناهان، قلب خود را طوری
صاف کنیم که اشک از چشمانمان سرازیر شود.
که این نشانه خشیت الهی است.

این گونه گریه به قدری ارزشمند است که
:پیامبر(ص) فرمود

من ذرفت عیناه من خشیه الله، کان له بكل
قطره من دموعه مثل جبل احد یكون فی میزانه
فی الاجر» کسی که چشمانش از خوف خداپراز

اشک گردد، هر قطره اشکش در قیامت در
ترازوی عملش همچون سنگینی کوه احد،
سنگینی دارد

و امیر مومنان علی(ع) فرمود: «البكاء من خشية
الله مفتاح رحمه الله» گریستن از خوف خدا،
. «کلید گشایش رحمت الهی است

رسول خدا(ص) فرمود: «اعلی الناس منزله عند الله
اخوفهم منه» ارجمندترین انسانها از نظر مقام در
پیشگاه خدا، آنان هستند که بیشتر از مقام خدا
هراسان هستند

امیر مومنان علی(ع) فرمود: هنگامی که قیامت
برپا می شود، منادی حق چنین ندا می کند: «ایها
الناس ان اقربکم الیوم من الله اشدکم منه خوفا»
ای مردم! امروز مقرب ترین شما در پیشگاه
خداوند، آن کسی است که در دنیا بیشتر از
دیگران از عظمت خدا ترسان بود.

امام حسین(ع) در فرازی از دعاهاى عرفه به خدا
عرض می کند:

اللهم اجعلنی اخشاک کانی اراک « خدایا مرا »
آن چنان هراسناک درگاهت قرار ده که گویی تو
را می بینم

آنقدر شعیب گریه کرد که نابینا شد
در علل الشرایع از رسول اکرم (صلی الله علیه
وآله وسلم) روایت کرده شعیب پیامبر آنقدر از
حب خدا گریست که دیدگانش نابینا شد خدای
متعال چشمان او را بدو مرحمت کرد. مجددا
آنقدر گریست تا از چشم محروم گردید باز خدا
دیدگانش را عنایت فرمود بار دیگر آنقدر گریه

کرد که از نعمت چشم بازماند خدای منان نعمت
گرانمایه چشم را بدو ارزانی فرمود. چون بار
چهارمین شد خدای مهربان بدو خطاب کرد تاکی
بدینکار می پردازی و می گریی اگر از آتش
خائفی تو را از شکنجه در امان دارم و اگر مشتاق
بهشتی نعمتهای آنرا به تو ارزانی فرمودم.
عرضکرد سید و آقای من می دانی که از ترس
آتش نمی نالم و از اشتیاق به بهشت نمی گریم.
لیکن عقده محبت قلب مرا ربوده و صبر و طاقتم
را برده شکیبائی ندارم مگر بوصال تو نائل آیم.

خدای متعال بدو خطاب کرد اکنون که برای
وصال می گویی موسی بن عمران کلیم خود را به
خدمت تو برمی انگیزم^۱.

۴-- دور کردن همه‌ی آنچه که موجب دل مشغولی و حواس پرتی می‌شود

قبل از نماز، انسان ذهن و قلب خود را از دنیا
منصرف کند و رو به خداوند بیاورد. امیر
المومنین علیه السلام از زمانی که وضو می گرفتند

اخلاق حسنه، ملامحسن فیض کاشانی، ترجمه محمد باقر ساعدی،

۱. ص ۲۰۵، انتشارات پیام آزادی، تهران

انگار که نماز می خواندند یعنی متوجه بودند
که در پیشگاه الهی حاضر هستند. وقتی آب را
بردستان و صورت مبارک می رساندند دعا می
خواندند و ذهن و قلب را قبل از شروع نماز
آماده می کردند

اگر در روبرویش تصاویر و آلات لهو باشد و یا

صدایی را بشنود که او را به خود مشغول کند؛

پس نماز نخواند و اگر نیاز به رفتن به

دستشویی - توالت - دارد شروع به نماز نکند و

در حالی که گرسنه یا تشنه است و غذا و آب

حاضر است نماز نخواند. همه‌ی این‌ها برای این

است که ذهن نمازگزار پاک شود و به مسئله‌ی

مهمی مشغول گردد که آن نماز و مناجات و راز

و نیاز وی با پروردگارش می‌باشد

نمازگزاری که با پروردگارش به مناجات پرداخته

و به حالت ایستاده در برابر معبود قائم به قسط

نمایان شده ، باید به حال قیام باشد؛ زیرا قلبی که

قائم است اثر قیامش در اعضا و جوارح نمودار

می شود، چنان که خشوع و فروتنی قلب نیز در

فرو اندامی و خشوع جوارح تجلی می یابد؛ زیرا

از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که

رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی را

نگریست که در حال نماز با ریش خود بازی می

کرد فرمود: انه لو خشع قلبه لخشعت جوارحه ؛^۱

^۱ رازهای نماز- نام مولف : آیه الله جوادی آملی

یعنی اگر دل این مرد خشوع می داشت ، اعضای

•وی نیز خاشع بود

چیزهایی که در نماز مکروه است

در رساله حضرت امام آمده است که:

۱۱۵۷ مکروه است در نماز صورت را کمی به
طرف راست یا چپ بگرداند و چشمها را هم
بگذارد یا به طرف راست و چپ بگرداند و با
ریش و دست خود بازی کند و انگشتها را داخل

هم نماید و آب دهان بیندازد و به خط قرآن یا کتاب یا خط انگشتی نگاه کند و نیز مکروه است موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر، برای شنیدن حرف کسی ساکت شود بلکه هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد مکروه می باشد.

۱۱۵۸ موقعی که انسان خوابش می آید و نیز

موقع خودداری کردن از بول و غائط مکروه است

نماز بخواند و همچنین پوشیدن جوراب تنگ که

پا را فشار دهد در نماز مکروه می باشد

۵- نماز را در اول وقتش بجا آوردن

در قرآن کریم آیه ای است که می فرماید “و یل

للمصلین”. حالا این آیه را می توان از چند جنبه

به آن نگرست و توجه کرد. چرا خدای متعال در

این آیه تا این حد، ابراز نگرانی و تهدید به

نمازگزاران دارد. نمازگزار که قاعدتا باید مورد

لطف الهی باشد چرا مورد تهدید خداوند متعال

.قرار گرفته است

این تهدید از چند زاویه قابل بررسی است. اول

درباره وقت نماز است. برخی نسبت به زمان نماز

بی مبالاات اند و این تهدید می تواند به بی

مبالااتی یک نمازگزار به اوقات نماز برگردد.

انسان اگر به نماز اول وقت توجه نداشته باشد و

به نماز اول وقت پشت پا بزند، خدای متعال این

چنین فردی را مورد توبیخ قرار می دهد. امام

صادق علیه السلام در این باره می فرماید: فرار

کنید، فرار کنید، فرار کنید از کسی که نمازش را

اول وقت نمی خواند. پس این جا معلوم می شود

که بی توجهی به زمان نماز و نخواندن نماز اول

.وقت می تواند مورد مواخذه الهی قرار بگیرد.

اما از آن سو نمازگزارانی هم هستند که اتفاقا

نماز خود را سر وقت می خوانند و مصداق

نمازگزاران اول وقت به شمار می روند اما باز

خطاب خداوند یعنی ویل للمصلین درباره شان

است، چون نماز اول وقت را می خوانند اما

تلاشی برای ارتقای نماز و حضور قلب ندارند.

وقتی نماز را شروع می کنند و الله اکبر را می

گویند هنوز فکرشان در دنیا و معامله و غذا و

پروژه است. گاهی می بینید نمازگزاری تکبیر را

گفته و سجده و رکوع ها را انجام داده و السلام

علیکم و رحمه الله را هم بر زبانش جاری شده

اما اصلا نفهمیده کی به سجده رفته و کی رکوع

بوده و چطور این کلمات را خوانده است. خب

این بی احترامی به خداوند است که روبروی

محضر الهی قرار بگیری و با او در سخن باشی

.اما در باطن با دنیا و قرارهای دنیوی باشی^۱

۶- اذان و اقامه حتما گفته شود

^۱<http://fa.shafaqna.com/news/314196/>

راه دیگری که می تواند نمازی با حضور قلب

برای انسان پدید آورد، اعمال مستحبی قبل از

نماز است. درباره اذان و اقامه بسیار سفارش

شده و به جا آوردن اذان و اقامه بسیار موثر

است تا انسان ذهن و قلبش را متوجه خداوند

کند. در روایات است که اگر کسی قبل از نماز

اذان را بگوید یک صف از ملائکه و اگر اذان و

اقامه را بگوید دو صف از ملائکه پشت سر او به

نماز می ایستند. پس این اذان و اقامه مقدمه

ورود به نماز است این همان فاصله است که بین

دنیا و نمازگزار می افتد تا با حضور قلب در

محضر الهی حاضر شود و گرنه می شود هم در

دنیا و روابط آن غرقه باشی و بعد با این حال

غرق شده به ملکوت هم راه پیدا کنی؟ مسلماً از

محالات است. پس این اذان و اقامه را قرار داده

اند که انسان یک دفعه وارد الله اکبر نشود و اول

جانش به یک قرار و طمانینه ای برسد سپس

آیات و اذکار نماز بر زبانش جاری شود.^۱

۷- از آداب مهمّ قلبیه عبادات، خصوصا عبادات ذکریه، طمانینه است.

و آن غیر از طمانینه ایست که فقهاء رضوان الله
علیهم در خصوص نماز اعتبار کرده اند. و آن
عبارت است از آن که شخص سالک عبادت را

^۱<http://fa.shafaqna.com/news/314196/>

از روی سکونت قلب و اطمینان خاطر بجا آورد،
زیرا که اگر عبادت را با حال اضطراب قلب و
تزلزل بجا آورد، قلب از آن عبادت منفعل نشود
و آثاری از عبادت در ملکوت قلب حاصل نشود
و حقیقت عبادت صورت باطنیه قلب نگردد.

و یکی از نکات تکرار عبادات و تکثار اذکار و
اوراد آن است که قلب را از آنها تأثیری حاصل
آید و انفعالی رخ دهد تا کم کم حقیقت ذکر و
عبادت تشکیل باطن ذات سالک را دهد و قلبش
با روح عبادت متحد گردد. و تا قلب را اطمینان

و سکونت و طمأنینه و وقار نبود، اذکار و نسک
را در آن تأثیری نیست و از حدّ ظاهر و ملک
بدن به ملکوت و باطن نفس سرایت ننماید و
حفظ قلبی از حقیقت عبادت ادا نشود، و این
خود از مطالب واضح است که محتاج به بیان
نیست و با اندک تأمل معلوم شود. و اگر عبادتی
چنین باشد که قلب را از آن به هیچ وجه خبری
نبود و از آن آثاری در باطن پیدا نشود، در عوالم
دیگر محفوظ نماند و از نشئه ملک به نشئه
ملکوت بالا نرود، و ممکن است در وقت شدائد
مرض موت و سكرات هولناك موت و أهوال و

مصیبات پس از موت خدای نخواستہ صورت آن
بکلی از صفحہ قلب محو و نابود شود و انسان با
دست خالی در پیشگاہ مقدّس حق برود. مثلاً اگر
کسی ذکر شریف لا اله الاّ اللّٰہ، محمد رسول اللّٰہ
(ص) را با سکونت قلب و اطمینان دل بگوید و
قلب را بہ این ذکر شریف تعلیم دہد، کم کم زبان
قلب گویا شود و زبان ظاہر تابع زبان قلب شود
و اوّل قلب ذاکر گردد و پس از آن لسان. و اشارہ
بہ این معنی فرمودہ جناب صادق علیہ السلام بہ
حسب روایت مصباح الشریعہ، قال: فاجعل قلبک
قبلة للسانک، لا تحرکہ الاّ باشارة القلب و موافقة

العقل و رضى الايمان.^۱ در اوّل امر که زبان قلب
گویا نشده، سالک راه آخرت باید آن را تعلیم
دهد و با طمأنینه و سکونت ذکر را به آن القا کند،
همین که زبان قلب باز شد، قلب قبله لسان و
سایر اعضاء شود، با ذکر آن همه مملکت وجود
انسانی ذاکر

گردد. و اما اگر این ذکر شریف را بی سکونت

(۳۱)- «قلب خود را قبله زبانت قرار بده، جز با اشاره^۱
قلب و موافقت عقل و رضای ایمان زبان مجنّبان.» مصباح
الشريعة، باب ۵ (فی الذکر). مستدرک الوسائل « کتاب
الصلوة »، « أبواب الذکر »، « باب التّوادر »، حدیث ۲.

قلب و طمأنینه آن و با عجله و اضطراب و
اختلال حواس گفت، از آن در قلب اثری حاصل
نشود و از حدّ زبان و گوش حیوانی ظاهری به
باطن و سمع انسانی نرسد و حقیقت آن در باطن
قلب محقق نشود و صورت کمالیه قلب نگردد که
ممکن الزوال نباشد.

پس، اگر احوال و شدائدی دست دهد، خصوصا
مثل احوال و سكرات موت و شدائد نزع روح
انسانی، بکلی آن ذکر را فراموش کند و از صفحه
دل آن ذکر شریف محو شود، بلکه اسم حق تعالی

و رسول ختمی (ص) و دین شریف اسلام و کتاب
مقدس الهی و ائمه هدی (ع) و سایر معارف را که
به قلب نرسانده فراموش کند و در وقت سؤال قبر
جوابی نتواند دهد، تلقین را نیز به حال او
فایده‌ای نباشد، زیرا که در خود از حقیقت
ربوبیت و رسالت و دیگر معارف اثری نمی‌بیند، و
آنچه به لقلقه لسان گفته بود و در قلب صورت
نگرفته بود از خاطرش محو شود و او را نصیبی
از شهادت به ربوبیت و رسالت و دیگر معارف
نخواهد بود.

و در حدیث است که یک طایفه از امت رسول
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را که وارد جهنم
می‌کنند، از هیبت مالک جهنم اسم پیغمبر را
فراموش می‌کنند، با آنکه در همان حدیث است
که آنها اهل ایمان هستند و قلوب آنها و
صورت‌های آنها از نور ایمان درخشان و متألّی
است.^۱ جناب محدث عظیم الشان مجلسی رحمه
الله در مرآت العقول در شرح حدیث شریف کنت
سمعه و بصره فرماید: «کسی که چشم و گوش و
دیگر اعضای خود را در راه اطاعت حق تعالی

(۳۲) - علم الیقین. ج ۲، ص ۱۰۳۹.

صرف نکند، دارای چشم و گوش روحانی نشود
و این چشم و گوش ملکی جسمانی در آن عالم
نرود و در عالم قبر و قیامت بی گوش و چشم
باشد، و میزان سؤال و جواب قبر آن اعضاء
روحانی است.» انتهی حاصل ترجمته.^۱

۸- نماز را وقتی نشاط دارد بخواند.

دیگر از آداب قلبیه نماز، و سایر عبادات، که
موجب نتایج نیکویی است، بلکه باعث فتح
بعضی از ابواب و کشف بعضی از اسرار عبادات

(۳۳) - مرآة العقول، ج ۱۰، ص ۳۹۲.

است، آن است که سالک جدّیت کند که عبادت را از روی نشاط و بهجت قلب و فرح و انبساط خاطر بجا آورد و از کسالت و ادبار نفس در وقت عبادت احتراز شدید کند. پس، وقتی را که برای عبادت انتخاب می‌کند وقتی باشد که نفس را به عبادت اقبال است و دارای نشاط و تازگی است و خستگی و فتور ندارد، زیرا که اگر نفس را در اوقات کسالت و خستگی وادار به عبادت کند ممکن است آثار بدی به آن مترتب شود که از جمله آنها آن است که انسان از عبادت منضجر شود و تکلف و تعسف آن زیاد گردد و کم کم

باعث تنفّر طباع نفوس شود. و این علاوه بر آن
که ممکن است انسان را بکلی از ذکر حق
منصرف کند و روح را از مقام عبودیت که منشأ
همه سعادات است برنجاند، از چنین عبادتی
نورانیت قلبیه حاصل نگردد و باطن نفس از آن
منفعل نگردد و صورت عبودیت صورت باطن
قلب نشود.

و اشاره به این ادب در کتاب کریم الهی و صحیفه
قویم ربوبی شده است آن جا که در تکذیب کفار
و منافقین فرماید: لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ

كُسَالِي وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ^۱ و آیه
شریفه لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى^۲ در حدیثی
به کسالت تفسیر شده. و در روایات اشاره به این
ادب نموده‌اند و ما به ذکر بعضی از آن این اوراق
را مفتخر می‌نماییم:

(۳۹) - «نماز نمی‌گذارند جز در حال ملال و کسالت، و^۱
انفاق نمی‌کنند مگر به کراهت و ناخوشایندی.» (توبه- ۵۴)
(۴۰) - «در حال مستی به نماز نزدیک مشوید.» (نساء-^۲
۴۳)

محمد بن یعقوب باسناده عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا تکرهوا الى انفسکم العبادة.^۱

و عن أبي عبد الله (ع) قال: قال رسول الله صلی الله عليه و آله: يا علی، انّ هذا الدین متین، فاوغل فيه برفق و لا تبغض إلى نفسک عبادة ربک.^۲

(۴۱)- «خود را به اکراه به عبادت وادار مسازید.»^۱
اصول کافی، ج ۳، ص ۱۲۹، «کتاب الایمان و الکفر»، «باب استواء العمل و المداومة علیه»، حدیث ۳.
(۴۲)- «ای علی، این دین متین و استوار است، با رفق و مدارا در آن گام نه و پرستش پروردگارت را مبعوض خود مکن.» اصول کافی، ج ۳، ص ۱۳۸، «کتاب الایمان و الکفر»، «باب الاقتصاد في العبادة»، حدیث ۶.

(۳۹) - «نماز نمی‌گزارند جز در حال ملال و

کسالت، و اتفاق نمی‌کنند مگر به کراهت و

ناخوشایندی.» (توبه - ۵۴)

(۴۰) - «در حال مستی به نماز نزدیک مشوید.»

(نساء - ۴۳)

(۴۱) - «خود را به اکراه به عبادت وادار

مسازید.» اصول کافی، ج ۳، ص ۱۲۹، «کتاب

الایمان و الکفر»، «باب استواء العمل و المداومة

عليه»، حدیث ۳.

(۴۲) - «ای علی، این دین متین و استوار است،
با رفق و مدارا در آن گام نه و پرستش
پروردگارت را مبعوض خود مکن.»^{۱ ۲}

و در حدیث است از حضرت عسکری سلام الله
علیه: اذا نشطت القلوب فاودعوها، و اذا نفرت

۱ آداب الصلاة، متن، ص: ۲۵

اصول کافی، ج ۳، ص ۱۳۸، «کتاب الایمان و
الکفر»، «باب الاقتصاد فی العبادة»، حدیث ۶.

فودّعوها.^۱ و این دستور جامعی است که
فرموده‌اند که در هنگام نشاط و بهجت قلوب
ودیعہ به آنها بسپارید، و در وقت نفار و گریز
آنها را راحت بگذارید.

(۴۳) - هنگامی که قلوب نشاط و بهجت دارند به آنها امانت^۱
بسپارید، و وقتی که گریزان‌اند آنها را واگذارید. «بحار
الانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۷، «کتاب الرّوضه»، باب ۲۹، حدیث
۳.

• یک شعر زیبا از آقای عبدالله مرادی

آقای مرادی متولد ۱۳۲۹ ، ساکن شیراز ،
فرهنگی بازنشسته هستن و حدود ۴۰ سال می
شه که به صورت تفننی شعر می گن . بیشتر
شعرهاشون مذهبی هست . و اما شعری که
: درباره نماز گفتند:

عالی ترین ذکر خدا نماز است

سرچشمه ی مهر و وفا نماز است

خواهی اگر خیر و سعادت خویش

آن کو کند خیرت عطا نماز است

دانی چه باشد ذکر پاک یزدان

مرآت ذات کبریا نماز است

معنی دین و ذکر دین همانا

آن کو دهد قلبت جلا نماز است

نوری که روشن می کند وجودت

سازد تو را از بد جدا نماز است

* در روز محشر اولین سوالت

اندر صف یوم الجزا نماز است

خیر دو عالم از برای انسان

در این سرا و آن سرا نماز است

در کارهایت گر گره فتاده

عقده گشا ، مشکل گشا نماز است

گر روح و جانست خسته و مریض است

داروی درد بی دوا نماز است

^{**} ذکر خدا آرامش قلوب است

عالی ترین ذکر خدا نماز است^۱

حقیقت و ملکوت نماز چیست؟

نماز چهره ای ظاهری دارد و چهره ای ملکوتی

و باطنی.

¹ sarcheshmeyehagh.blogfa.com/

مانند دنیا و آخرت که دنیا چهره ظاهری این

عالم است و آخرت چهره باطنی و ملکوتی عالم

هستی.

چهره ظاهری نماز همین قیام و رکوع و سجودی

است که بجا می آوریم که به ظاهر هیچ اثری و

تاثیری از آن نمی بینیم.

یعنی معجزه ای از نماز ظاهری مشاهده نمی

گردد.

اما این نماز حتی اگر دورکعت باشد اگر درست

انجام شود آثار خیلی مهمی برای نمازگزار

دارد. چه آثار مادی و چه آثار معنوی.

خداوند در آیات چندی مؤمنان را مکلف به

انجام و اقامه نماز می کند تا از آثار آن بهره مند

شوند. (طه، آیه ۱۳۲) خداوند در این آیه می

فرماید که ما با فرمان نماز نمی خواهیم از تو

رزق و روزی طلب کنیم و یا نیازی از خود را

برآورده سازیم، بلکه می خواهیم خود تو از آثار

و برکات نماز بهره مند شوی؛ چرا که نماز مایه

تقرب به خدا و عامل متاله (خدایی شدن) و

مظهریت یافتن بشر از مقام ربوبیت الهی می

شود.

از جمله آثار مهم معنوی نماز در زندگی دنیوی و

اخروی می توان به آرامش و آسایش اشاره کرد.

خداوند در آیه ۲۲۷ سوره بقره از همگان می

خواهد تا نماز را برپا دارند؛ چرا که عامل مهم

ایجاد آرامش و برطرف کننده خوف و حزن

است. این بدان معناست که انسان می تواند از

طریق برپایی نماز، به یکی از دو مولفه اصلی و

اساسی سعادت و خوشبختی یعنی آرامش و

آسایش (امنیت) دست یابد. افزون بر این، نماز از

این ویژگی برخوردار است که آرامش را نه تنها

در دنیا بلکه در آخرت و نه تنها در شکل محدود

و ناپایدار بلکه به شکل پایدار و جاودانه تثبیت

می کند و آدمی را به آرامش مطلق و کامل و

جاودانه می رساند. (همان)

از دیگر کارکردها و آثار نماز می توان به

آسایش یعنی دومین مولفه خوشبختی و سعادت

اشاره کرد. خداوند در این آیه و نیز آیات بسیار

دیگر، بیان می کند که اگر انسان به رزق کریم

(انفال، آیات ۳ و ۴)، فضل الهی (فتح، آیه ۲۹) و

بهره های اخروی از مادیات و معنویات نیاز دارد

به نیاز رو آورد و آن را برپا دارد. (بقره، آیه ۱۱۰)

و ابراهیم، آیه ۳۱ و نیز مزمل، آیه ۲۰)

بنابراین، با نماز می توان به سعادت واقعی و

حقیقی دست یافت؛ زیرا آرامش و آسایشی که

در پی برپایی نماز نصیب آدمی می شود، آرامش

و آسایش ابدی است. پس مهم ترین و اساسی

ترین دغدغه بشر در طول تاریخ، با برپایی نماز

برطرف می شود و انسان به سعادت و خوشبختی

می رسد.

خداوند در آیاتی از جمله ۴۵ و ۱۵۳ سوره بقره

و آیه ۱۳۲ سوره طه، نماز را آسان کننده سختی

ها برای انسان معرفی می کند. پس اگر انسان هر

سختی دارد می تواند از طریق نماز آن را به

آسانی تبدیل کند. زمخشری ذیل آیه می نویسد

که مقصود آیه این است که در برابر بلایا و سختی

ها به نماز پناه برید.^۱

نماز همچنین استقامت را در انسان تقویت می

۱(کشاف، زمخشری، ج ۱، ص ۱۳۴)

کند و موجب می شود برخلاف همه فشارهای

درونی و بیرونی، حرکت و مقاومت کند و آن چه

را مامور است یا مطلوب باشد به جا آورد. (هود،

آیات ۱۱۲ و ۱۱۳)

خداوند نماز را از عوامل پایداری و استواری در

دین (بینه، آیه ۵) و مایه قوام و سامان دهنده

امور اجتماعی می داند. (بینه، آیات ۴ و ۵) چرا

که یکی از مصادیق دین استوار، احکام و

دستورهایی است که حافظ مصالح جامعه است.

(المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۹) از این رو خداوند به

صراحت در آیه ۱۷۰ سوره اعراف، به نقش نماز

در اصلاح فرد و جامعه اشاره می کند و خواهان

تمسک به نماز برای رسیدن به اهدافی از این

دست می شود

اقامه نماز همچنین از عوامل تحکیم برادری

ایمانی و تقویت پایه های اخوت دینی میان مردم

است که خود عامل مهم در همگرایی اجتماعی و

همدلی و انسجام جامعه می باشد. (توبه، آیات ۷

و (۱۱)

نمازگزاران با بهره مندی از برکات نماز، می

توانند در جامعه از جایگاه برتری بهره مند شوند

و تلاوت قرآن همراه با اقامه نماز موجب می

شود تا خداوند ایشان را به مقام برتر برساند و از

فضیلتی خاص برخوردار سازد. (آل عمران، آیه

(۱۱۳) مراد از سجده در آناء اللیل، نماز عشاء و

یا مابین مغرب و عشاء است و مقصود از سجده

نیز نماز است. (مجمع البیان، ج ۱ و ۲، ۸۱۶)

از جمله فضیلت ها و برتری هایی که نماز برای

نمازگزار پدید می آورد، دست یابی به مقام اسوه

بودن است که خداوند در آیه ۷۸ سوره حج به

آن اشاره کرده است؛ چرا که در این آیه

نمازگزاران را گواهان بر اعمال دانسته است که

خود بیانگر نقش کلیدی در جامعه از سوی آنان

به عنوان اسوه و سرمشق است. (المیزان، ج ۱۲،

ص ۲۱۲)

نماز مایه امیدواری به لطف و پاداش جاوید

خداوند است. (فاطر، آیه ۲۹) و نمازگزار با

برپایی نمازش، زمینه امید به هدایت الهی (توبه،

آیه ۱۸) را در دل خود روشن می سازد و حتی

امیدوار خواهد بود تا به مقام رضا بلکه شفاعت

دست یابد که همان مقامات راضیه و مرضیه یعنی

قرب نوافل و فرائض است. (طه، آیه ۱۳۰)

در روایات ذیل آیه اخیر یادآور شده اند که آیه
به نماز و اوقات آن اشاره دارد (تفسیر نورالثقلین،

ج ۳، ص ۴۰۷، احادیث ۱۸۰ و ۱۸۱) و

همچنین مقصود از سجده در نماز نیز همان نماز

می باشد. (مجمع البیان، ج ۱ و ۲، ص ۸۱۶)

به هر حال، نماز، گل امید را در دل ها شکوفا

می سازد و مایه امیدواری انسان به رحمت الهی

(توبه، آیه ۷۱؛ نور، آیه ۵۶) و زمینه ساز افزایش

فضل و بخشش الهی در حق نمازگزار

است. (فاطر، آیات ۲۹ و ۳۰)

نماز مایه بهره مندی آخرتی انسان (بقره، آیه

۱۱۰)، بهره مندی از دریافت بشارت های خوش

و نیک (آل عمران، آیه ۳۹ و توبه، آیه ۱۱۲) و

عامل جلب رحمت (توبه، آیات ۵ و ۷۱)، رزق

الهی (انفال، آیات ۳ و ۴ و طه، آیه ۱۳۲) و فضل

خداوندی (نور، آیات ۳۷ و ۳۸ و فتح، آیه ۲۹)

است.

اگر کسی بخواهد افزون بر رهایی از دوزخ،

دستگیر دیگران باشد و در حق دیگران شفاعت

کند، می بایست به نماز به عنوان یکی از عوامل

نماز و تربیت و بهره مندی از آن در قیامت توجه

کند. (مدثر، آیات ۴۲ تا ۴۸ و طه، آیه ۱۳۰ و

آیات دیگر و نیز تفسیر تبیان، ج ۷، ص ۲۲۳)

نماز و تربیت

نمی توان از نقش تربیتی نماز غافل شد؛ زیرا

نماز تاثیر شگرفی در تربیت آدمی دارد و مراقبت

بر آن این تاثیر را دو چندان می سازد. (ابراهیم،

آیات ۳۷ و ۴۰، مریم، آیه ۵۵، طه، آیه ۱۳۲ و

آیات دیگر) از این رو خداوند نماز شب را بر

پیامبر(ص) واجب کرده است تا آن حضرت(ص)

آمادگی دریافت قرآن و رسیدن به مقام محمود از

جمله شفاعت کنندگی داشته باشد.(اسراء، آیه ۷۹

و مزمل، آیات ۲ تا ۶)

برپایی نماز و مراقبت بر آن از عوامل موثر در

تربیت خانوادگی است (ابراهیم، آیات ۳۷ و ۴۰

و مریم، آیه ۵۵) خداوند اقامه نماز را به عنوان

یکی از تعالیم مهم الهی برای تربیت همسران

معرفی می کند. (احزاب، آیات ۳۲ و ۳۳)

نماز همچنین، موجب تقوا (بقره، آیات ۲ و ۳ و

۱۷۷ و نیز انعام آیه ۷۲) و ترغیب دیگران به آن

است (علق، آیات ۱۰ تا ۱۲)

انسانها با نماز می توانند سیر و سلوک و ریاضت

شرعی را به درستی تجربه کنند و با متاله شدن به

خداوند تقرب جویند و به مقامات قربی برسند

(انفال، آیات ۳ و ۴ و نیز شعراء، آیات ۲۱۷ تا

۲۱۹ و علق، آیات ۹ و ۱۰ و ۱۹)

این گونه است که مورد تکریم خداوند می شوند

و از مقام کریم بهره مند شده و مظهر ربوبیت الهی

می شوند. (معارج، آیات ۱۹ تا ۳۵ و انفال، آیات

۳ و ۴) پس در سیر معراجی و صعودی خود در

جرگه مومنان (انفال، آیات ۳ و ۴) صادقان (بقره،

آیه ۱۷۷)، متقین (بقره، آیات ۲ و ۳ و ۱۷۷)،

محسنان (هود، آیات ۱۱۴ و ۱۱۵)، مصلحان

(اعراف، آیه ۱۷۰)، مخبتان (حج، آیات ۳۳ و

۳۵) و ابرار (بقره، آیه ۱۷۷) وارد می شوند

نماز عامل مهمی در آسان شدن کارها و رفع

سختی ها و همچنین تحمل دشواری ها (بقره،

آیات ۴۵ و ۱۵۳)، رفع مشکلات (همان)، رفع فقر

و تهیدستی (طه، آیه ۱۳۲ و نیز کشاف، ج ۳، ص

۹۹) و افزایش صبر و شکیبایی انسان در برابر

بلاها و ناگواری ها و مصیبتها (معارج، آیات ۲۰

تا ۲۲) می شود

نماز موجب تکفیر و محو گناهان می شود.

(مائده، آیه ۱۲ و هود، آیه ۱۱۴) کسانی که

گناهی را مرتکب شده اند و در انتظار عوارض و

پیامدهای آن هستند، می توانند با نماز خود را از

آثار و تبعات گناه در امان نگه دارند و در دژ

استوار الهی در آیند و از آسیب بگریزند. نماز

موجب خشیت قلب مومنان (انفال، آیات ۲ و ۳)،

بهره مندی از دوستی و محبت الهی (ابراهیم، آیه

۳۱)، رضا و خشنودی خداوند و در نتیجه بهره

مندی از رضوان الهی (توبه، آیات ۷۱ و ۷۲؛

فتح، آیه ۲۹)، طهارت روح و پاکی اندیشه (توبه،

آیه ۱۰۸)، زدودن هر گونه آلودگی و پلیدی

(احزاب، آیه ۳۳؛ فاطر، آیه ۱۸)، نورانیت در

سیمای ظاهر و باطن (فتح، آیه ۲۹ و مجمع

البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۱۹۲) و درنهایت دست

یابی به ولایت الهی و خلافت و مظهریت ربوبیت

.خداوندی (مأئده، آیه ۵۵) می شود

خداوند برپا داشتن نماز را نشانه صداقت افراد در

ایمان می داند (بقره، آیه ۱۷۷ و انفال، آیات ۲ تا

۴) چنان که نماز را نشانه پذیرش اسلام (توبه،

آیات ۵ و ۱۱)، قبولی دیگر اعمال آدمی از سوی

خداوند (توبه، آیه ۵۴) و نرمی و مدارا نسبت به

دیگران (بقره، آیات ۱۰۹ و ۱۱۰) و عفو و

گذشت نسبت به خطاها و اشتباهات دیگران

.(همان) برمی شمارد

همچنین نماز مانع بخل ورزی (معارج، آیات ۲۱

تا ۲۵)، حرص و آزمندی (همان)، حزن و اندوه

(بقره، آیه ۲۷۷)، خوف و ترس (همان)، دنیاطلبی

و مال دوستی (طه، آیات ۱۳۱ و ۱۳۲)، شقاوت

و بدبختی (مریم، آیات ۳۱ و ۳۲؛ اعلی، آیات

۱۱ تا ۱۵)، شهوترانی و هواپرستی (مریم، آیه

۵۹)، قسم دروغ (مائده، آیه ۱۰۶)، کتمان

شهادت و حقایق (همان) گمراهی و ضلالت

(مائده، آیه ۱۲ و مریم، آیه ۵۹)، گناه و منکرات

(هود، آیه ۱۱۴ و عنکبوت، آیه ۲۵)، آتش دوزخ

(اعلیٰ، آیات ۱۲ تا ۱۵) و عذاب و احوال قیامت

• (همان و بقره، آیات ۴۵ و ۴۸ و ۱۷۷) می شود

هر کسی بخواهد در زندگی خود نظم ایجاد کند

می تواند به اوقات نماز به عنوان نظم دهنده

توجه یابد (نساء، آیه ۱۰۳) چنان که با نماز می

تواند از افسار گسیختگی شهوات نیز در امان

ماند. (مریم، آیه ۵۹)

انسان هایی که نمازگزار هستند، در یک فرآیند،

انسان های اهل مدارا (بقره، آیات ۱۰۹ و ۱۱۰)،

دارای عفو و گذشت (همان)، پندپذیر (اعلی،

آیات ۹ تا ۱۵)، بخشنده و اهل انفاق (معارج،

آیات ۲۱ تا ۲۵ و نیز بقره، آیه ۲) و پرهیزگار و

ضدمنکرات و نابهنجاری های اخلاقی و

اجتماعی و اهل معروف و کارهای نیک و

رفتارهای هنجاری (عنکبوت، آیه ۴۵) می

باشند.^۱

مکاشفه درباره یک عارف بزرگ

فرزند عالم ربانی آیت الله محمد جواد انصاری
همدانی می گوید: مرحوم آقا را در مکاشفه
دیدم که در اتاق بیرون نشسته بود. فضای

مقاله آقای سلمان امیدی

^۱ منبع: روزنامه کیهان ۱۳۹۰/۰۶/۲۱

روحانی عجیبی بود حالت بین الطلوعین داشت و
من با قلب پرسوز و ناآرام ، خدمت می کردم . (
(بعد از مدتی) متوجه شدم جز من و آقا
شخص دیگری باقی نمانده و حالت گریه عجیبی
به من دست داده است . من از ایشان سؤال کردم
: آیا تاکنون از اسرار معرفت مطلبی هست که
کسی بیان نکرده ؟ گفتند : بلی خدای تعالی تمام
» « اسرار عرفان » را در نماز جمع کرده است

امام صادق (علیه السلام) در نماز بیهوش شد

سید بن طاووس با نقل یک روایت می‌فرماید:
مولایمان امام جعفر صادق (ع) در حال قرائت
در نماز دچار حالت بی‌هوشی شد، وقتی به
هوش آمد، از او پرسیدند: چه چیز باعث شد که
حال شما به این حالت منتهی شود. حضرت
فرمود: پیوسته آیات قرآن را تکرار می‌نمودم، تا
این که به حالتی رسیدم که گویی شفاها آن را از

کسی که نازل فرمود به مکاشفه و عیانانشیدم، لذا
«قوه بشری تاب مکاشفه جلال الهی را نیاورد»^۱

**حقیقت و واقعیت نماز از دیدگاه امام
خمینی - رحمه الله علیه -**

مطلب اساسی در شناخت هر پدیده‌ای، شناخت
حقیقت آن است. درباره‌ی نماز نیز شناخت
حقیقت آن از اساسی‌ترین اموری است که هر
مسلمان باید بدان آگاه باشد. امام خمینی - رحمه

کتاب گنجینه نور پرسش‌های مردم و پاسخ‌های امام صادق علیه
^۱ السلام نوشته آقای احمد قاضی

الله علیه - حقیقت نماز را «سفر»ی می‌داند که
مبدأ آن بیت نفس و الی الله و فی الله و من الله
است: از آن چه مذکور شد از سرّ صلوه که
حقیقت آن عبارت است از سفر الی الله و فی الله
[و من الله است...]

همچنین ایشان در این باره می‌فرمایند: ... و آن
عبارت است از حصول معراج حقیقی و قرب
معنوی و وصول به مقام فنای ذاتی که در
اوضاع به سجده‌ی ثانیه که فنای از فنا است و
در اذکار به «ایاک نعبد» که مخاطبه‌ی حضوری

[^۱ است، حاصل می‌شود.]

نکته‌ی دیگر درباره‌ی حقیقت نماز، این است که

نماز را غیر از این ظاهر «باطنی» است؛ یعنی

حقیقت نماز، همان باطن آن است: نماز بلکه

جميع عبادات را غیر از این صورت و قشر و

مجاز، باطن و لب و حقیقتی است و این از طریق

عقل معلوم است و از طریق نقل، شواهد کثیره

[^۲ دارد.]

در حدیثی آمده است که فردی شقی به نام

^۱ همان، ص ۱۵

^۲ همان، ص ۹

«رزام مولی خالد بن عبدالله» درباره‌ی حدود نماز از امام صادق - علیه السّلام - پرسش می‌کند. ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «نماز چهار هزار حدّ دارد که تو نمی‌توانی یکی از آنها را ادا کنی». حضرت امام - رحمه الله علیه - با بیان این حدیث، آن را دلیلی بر وجود باطن و حدود باطنی نماز می‌داند. و استنباط می‌کند که: اگر این چهار هزار حدّ که جناب صادق - علیه السّلام - فرمودند از حدود ظاهر و آداب صوریه بود، نمی‌فرمودند: تو یکی از آنها را (هم) ادا نمی‌کنی و وفا نمی‌نمایی؛ زیرا که معلوم است

که همه کس می تواند به آداب صوریه نماز قیام
[^۱کند.]

ایشان، تغییر حالت ائمه - علیهم السّلام - در
نماز بر اثر خوف و خشیت خداوندی، دلیلی بر
اثبات بعد باطنی نماز می دانند. باطن نماز نیز
همانند ظاهر آن، آداب و شرایطی دارد که
اقامه ی آنها حقیقت نماز را محقق می کند.
حضرت امام - رحمه الله علیه - می فرمایند: از
برای نماز غیر این صورت، حقیقتی است و غیر
از این ظاهر، باطنی است و همان طور که

¹اسرار نماز، ص ۱۱

صورت آن را آداب و شرایط صوریه‌ای است،
باطن آن را نیز آداب و شرایطی است که شخص
[^۱سالك باید آنها را مراعات کند].

مسأله‌ی دیگر درباره‌ی حقیقت نماز این است که
«اصل نماز، یک رکعت است» و این سفر
معنوی در طی این رکعت محقق می‌گردد. امام -
رحمه الله علیه - می‌فرمایند: باید دانست که
اصل صلاه، یک رکعت و بقیه‌ی رکعات آن از
فرائض و نوافل برای اتمام همان یک رکعت

^۱آداب الصلوه، صص ۵۵ - ۵۶

است.^[۱] سپس به بیان حدیثی از امام رضا -

علیه السلام - در این باره می پردازند

و افسین نکته درباره‌ی حقیقت نماز این است که

بر اساس نظر امام - رحمه الله علیه - نماز

اقامه‌ی توحیدهای سه گانه (توحید ذات، افعال و

صفات) است. ایشان می فرمایند: بدان که اهل

معرفت، قیام را اشاره به توحید افعال دانند، چنان

چه رکوع را به توحید صفات و سجود را به

توحید ذات اشاره دانند.^[۲] از این بیان می توان

^۱ اسرار نماز، ص ۱۶

^۲ آداب الصلوه، ص ۱۴۶

نتیجه گرفت که اقامه‌ی نماز واقعی، اقامه‌ی
توحید واقعی است و اقامه‌ی توحید مستلزم نفی
■ هر چه غیر اوست، حتّی خواسته‌های نفسانی
از این رو، حضرت امام - رحمه الله علیه - پس
از این که مهم‌ترین احوال نماز را در قیام و
رکوع و سجود می‌بینند و آن‌ها را مقوم اقامه‌ی
توحید می‌شمارند، در ادامه می‌فرمایند: پس
گوییم که چون صلاه معراج کمال مؤمن و مقرب
اهل تقوی است. متقوم به دو امر است که یکی،
مقدمه‌ی دیگری است. اول، ترکیب خودبینی و
■ خودخواهی که آن حقیقت و باطن تقوی است

و دوم، خودخواهی و حق طلبی که آن، حقیقت
'معراج و قرب است.

نماز حقیقی، معراج واقعی است

از نکات دیگر در بیان و فهم دیدگاه امام خمینی
- رحمه الله علیه - درباره‌ی اهمیت نماز دارد این
است که حضرت امام - رحمه الله علیه - نماز را
عین معراج واقعی می‌دانند که دارای حالت‌ها و
مراحل گوناگونی است که برای افراد مختلف به

¹ همان، ص ۳۵۰

تناسب درجه‌ی ایمان نمازگزار و حضور قلبی وی در نماز، تفاوت دارد. امام خمینی - رحمه

الله علیه - به دلیل مسئله معراج واقعی بودن

نماز، در تفسیر نماز به تطبیق دادن آن با حدیث

معراج پیامبر - صلی الله علیه و آله - پرداخته‌اند،

زیرا بنا بر دستور پیامبر اسلام - صلی الله علیه و

آله - اذکار آن سفر هم در نماز از جمله در

رکوع و سجود گنجانیده شده است همان گونه

■ که در حدیث معراج آمده است

نماز و سفرهای چهارگانه عرفانی (اسفار اربعه)

در نماز

گفته شده که حضرت امام - رحمه الله علیه -
نماز را سفر الی الله و فی الله و من الله می دانند،
سفر مؤمن و سالک به سوی خدا، چهار مرحله
دارد که در اصطلاح «اسفار اربعه» خوانده
می شوند. سالک در این سفرها، مراتبی خاصّ را
می پیماید و به دگرگونی های روحی خاصی
دست می یابد که شرح مفصّل آن در کتب
عرفانی آمده است

امام خمینی - رحمه الله علیه - در کتاب اسرار
الصلوه به طور بسیار اجمالی این اسفار را در
نماز بیان می کنند. ایشان در کتاب اسرار نماز

(معراج السالکین و صلوه العارفین) درباره‌ی نماز و طی منازل سلوک از طریق آن چنین می‌فرمایند: اگر روزگار به عارف ربانی مهلت دهد، تمام منازل سائرین و معارج عارفین را از منزلگاه یقظه تا اقصا منزل توحید از این معجون^۱ الهی و حبل متین بین خلق و خالق خارج کند. طی کردن این سفر دارای دو رکن است: اول، رسیدن به مقام طهارت. دوم، رسیدن به مقام فنا در نماز. شرط اساسی آغاز این سفر نیز دور شدن از نجاست‌های

^۱ اسرار نماز، ص ۵۷

ظاهری و باطنی و به ویژه رذایل باطنی است. ایشان در تعریف باطن نجاست - که دوری از آن لازمه‌ی سفر است - می‌فرمایند: نجاست، دوری از محضر انس و مهجوری از مقام قدس است و منافی با نماز است که معراج وصول^۱ مؤمنین و مقرب ارواح متقین است. بنابراین، انسان برای اینکه سفر معنوی را آغاز کند، باید به «مقام طهارت باطن» برسد. حضرت امام - رحمه الله علیه - در ادامه می‌فرمایند: ... و چون بدین مقام رسیدی، از تصرف شیطان خبیث

^۱ همان، ص ۵۶

مخبت خارج شدی و از رجز و رجس هجرت
کردی و لایق حضور درگاه جلیل و مخلع شدن
به خلعت خلیل گردیدی و مسافرت الی الله و
معراج وصول حاصل شده که آن خروج از
منزلگاه و بیت نفس است و باقی می ماند رکن
دوم که در اصل نماز حاصل می شود و آن
حرکت الی الله و وصول به باب الله است و فناء
به فناء الله.

پس معلوم شد که این سفر معنوی و معراج قرب
حقیقی را دو رکن است، که یک رکن آن در

باب طهارات حاصل می‌شود که سرّ آن، تخلیه و
آنسرّ سرّ آن تجرید و سرّ مستسر آن تنزیه و سرّ
مقنّع به سرّ آن، تنزیه و تقیید است و رکن اعظم
آن در باب صلوٰه حاصل می‌شود که سرّ آن،
تنزیه از توحید و تقیید است.

عبارت‌های یاد شده که دربردارنده‌ی اصطلاحات
خاص عرفانی است، به تناسب افراد نمازگزار از
عوام الناس گرفته تا اهل معرفت و اخلاص، به
مراتب این ارکان اشاره دارد. پیش‌تر آوردیم که
حضرت امام - رحمه الله علیه - بر پایه‌ی حدیثی

از ائمه - علیهم السّلام - اصل نماز را «یک رکعت» می‌دانند. از این رو، سفرهای چهارگانه را از آغاز تا پایان، به طور خلاصه در حدّ همان یک رکعت شرح داده‌اند

ایشان در سرّ اجمالی نماز و اجمال سفرها می‌نویسد: آن عبارت است از حصول معراج حقیقی و قرب معنوی و وصول به مقام فنای ذاتی است که در اوضاع به سجده‌ی ثانیه که فنای از فناست و در اذکار به «ایک نعبد» که مخاطبه‌ی حضوری است حاصل شود، چنان چه برداشتن سر از سجده تا سلام که علامت

ملاقات و مراجعت از سفر است، رجوع به کثرت است، ولی با سلامت از حجب کثرات و بقای به حق، و در اذکار «اهدنا الصراط المستقیم» رجوع به خود و حصول صحو بعد المحو است و با اتمام رکعت که حقیقت صلوه است، سفر تمام می شود و نباید دانست که اصل صلوه یک رکعت است.

در این باره باید گفت پس از فراهم آوردن مقدمات سفر که همان مقدمات و مقارنات نماز است، سفر با نیت و گفتن تکبیر افتتاحیه در

¹اسرار نماز، ص ۱۵ - ۱۶

ابتدای نماز، آغاز می شود. حضرت امام - رحمه

الله علیه - دستور این کار را چنین بیان

فرموده اند: پس تو ای سالک الی الله و مجاهد

فی سبیل الله! چون اقامه ی صلب در محضر قرب

نمودی، تخلیص نیت در پیشگاه عزّت، و قبل

خود را صفا دادی و در زمره ی اهل وفا داخل

شدی، خود را مهیای دخول در باب کن و

اجازه ی فتح ابواب طلب، و از منزل طبیعت

حرکت کن و حجاب غلیظ آن را با تمسک به

مقام کبریایی رفع کن، و به پشت افکن و

تکبیرگویان وارد حجابی دیگر شو و آن را رفع

کن، و به پشت سر افکن و تکبیر بگو و حجاب
سوم را نیز مرتفع کن که به منزل باب القلب
رسیدی؛ پس توقّف کن و دعای مأثور بخوان:
'«اللهم انت الملك الحق المبين الخ.»'
با ذکر جمله‌ای از آن حضرت که ارکان مهم
نماز و رکعت اصلی آن را سه چیز دانسته‌اند،
اسرار سفرهای عرفانی در نماز را با بیان اسرار
آنها، ادامه می‌دهیم، بدان که عمده‌ی احوال
صلوه سه حال است که سایر اعمال و افعال
مقدمات و مهیئات آن است، اول، قیام و دوم

¹ اسرار نماز، ص ۷۹

۱ رکوع و سوم سجود.

در سرّ رکوع فرموده‌اند: حقیقت رکوع، تمام نمودن قوس عبودیت و افنای آن در نور عظمت [۲] ربوبیت است.

و در سرّ سجود فرموده‌اند: بالجمله، سجده نزد اهل معرفت و اصحاب قلوب، چشم فرو بستن از غیر و رخت بربستن از جمیع کثرات حتّی کثرات اسماء و صفات و فنای در حضرت ذات است و در این مقام، نه از سمات عبودیت خبری است و

¹آداب الصلوه، ص ۳۵۰

²اسرار نماز، ص ۹۹

نه از سلطان ربوبیت در قلوب اولیاء، اثری و
حق تعالی خود در وجود عبد، قائم به امر است.

ایشان پس از ذکر عباراتی از یک حدیث
درباره‌ی تشهد می‌فرمایند: اما اشاره به سرّ
تشهد به طوری که ذکر نمودیم، آنجا که

می‌فرماید: «تعلم ان النواصی الخلق بیده الخ» و
این اشاره لطیفه است به مقام تحقق به صحو بعد
المحو که کثرات حجاب جمال محبوب نباشند و
قدرت و مشیّت حق را نافذ و ظاهر در مرائی

¹ اسرار نماز، ص ۱۰۶

^۱ خلقیه بیند.

امام - رحمه الله علیه - در واپسین مرحله می فرمایند: از آنچه مذکور شد از سرّ صلوه که حقیقت آن، عبارت از سفر الی الله و فی الله و من الله است، در سرّ سلام، مطلبی دیگر معلوم می شود و آن، این است که چون سالک در حال سجده، غیبت مطلقه از همه ی موجودات برای او دست داد و از همه ی موجودات غایب شد و در آخر سجده، حالت صحوی برای او رخ داد و در تشهد نیز حالت قوت گرفت، ناگاه از حال غیبت

از خلق، به حضور منتقل شد و ادب حضور را به جای آورد و در آخر تشهد توجّه به مقام نبوت پیدا کرد و در محضر ولایت آن سرور، ادب حضور را که سلام شفاهی است، به جا آورد و پس از آن به تعینات نور ولایت که قوای ظاهره و باطنه‌ی خود عبادالله الصالحین است، توجّه نموده، ادب حضور را ملحوظ داشته و پس از آن به مطلق کثرات غیبت و شهادت توجّه پیدا نموده، ادب حضور را ملحوظ داشته، شفاهاً سلام تقدیم داشت و سفر رابع من الحق الی الخلق

تمام شد و این اجمال را تفصیل بیش از این
است که من عاجزم از گفتن و خلق از شنیدنش.

هیچوقت نماز شبش ترک نشد

از زبان نزدیکان ایشان نقل شده است که ایشان
هیچ گاه نماز شب خود را ترک نکرد، حتی در
هواپیما. حضرت امام - رحمه الله علیه - هنگامی
که بر روی تخت بیمارستان بودند، به یکی از

¹اسرار نماز، ص ۱۱۸ - ۱۱۹

یاران خویش سفارش می‌کند که هنگام نماز و اذان او را بیدار کند، هنگامی که او از خواب برمی‌خیزد و می‌بیند که او را بیدار نکرده‌اند، ناراحتی می‌فرمایند: من هیچ گاه نماز خود را به تأخیر نینداخته‌ام، حال که پایم لب گور است، چرا این کار را بکنم.

به هر حال او به عمل معتقد بود و حتی فرموده‌اند: جمیع علوم عملی است حتی علم [التوحید را نیز اعمالی است قلبیه و قالبیه]. نگاه او به جهان غیر از نگاه ماست، ایشان

¹آداب الصلوه، ص ۱۷۱

فرموده‌اند: «عالم، مسجد ربوبیت است. باید
مراقبه کنند که با طهارت و صفای ظاهر و باطن
در آن قدم نهند؛ که بساط حق را غیر مطهرین
نتوانند پای نهاد و بار مجالست با او را جز به
[۱] صدیقین مخلصین ندهند.»

امیرالمومنین علی (علیه السلام) چگونه وضو گرفت؟

امام صادق علیه السلام فرمود: روزی امیرالمؤمنین
علیه السلام نشسته بود و پسرش

¹ اسرار نماز، ص ۶۰

محمد حنفیه با او بود به پسرش فرمود: ای
محمد برای من ظرف آبی بیاور تا از آن وضو
بگیرم ، محمد آب آورد، حضرت با دست چپ
آب بر دست راست ریخت و فرمود: بسم الله
الذی جعل الماء طهورا و لم یجعلہ نجسا سپس
به آن استنجا کرد و این دعا را خواند: اللهم
حصن فرجی و اعفه ، و استر عورتی و حرمنی
علی النار ؛ بعد از آن آب در دهان مضمضه کرد
و فرمود: اللهم لقنی حجتی یوم القاک و انطق
لسانی ؛ خدای در روزی که تو را ملاقات می
کنم ، حجت و برهان قطعی به من القا کن و زبانم

را بدان گویا گردان . آن گاه استنشاق کرد و آب
را در بینی کشید و عرض کرد: اللهم لا تحرمني
ريح الجنة ؛ خدایا بوی بهشت را بر من حرام
مفرما، و از جمله کسانی قرارم ده که بوی بهشت
و نکهت پاک آن را می یابد. سپس حضرت
صورت خود را شست و گفت : اللهم بیض وجهی
یوم تبيض وجوه ، و تسود وجوه ، و لا تسود
وجهی یوم تبيض وجوه و تسود وجوه ؛ خدایا
روزی که چهره هایی سفید و صورتهایی سیاه می
شود، روی مرا سفید گردان ، و صورتم را سیاه
مدار در روزی که چهره هایی سفید و صورتهایی

سیاه می شود. آن گاه دست راست خود را شست
و عرض کرد: اللهم اعطني کتابی بيمينی والخلد
فی الجنان بیساری ؛ خدایا نامه کردارم را به
دست راستم عطا فرما و برات جاودانه زیستن در
بهشت را به دست چپم ده . سپس حضرت دست
چپ را شست و گفت : اللهم لا تعطني کتابی
بیساری ، و لا تجعلها مغلولة الى عنقی ، و اعوذ
بک من مقطعات النيران ؛ خدایا نامه اعمالم را به
دست چپم مده و به گردنم مبنده و به تو پناه می
برم از تکه پاره های آتش . آن گاه مسح بر سر
کشید و عرض کرد: اللهم غشني برحمتک و

برکاتک و عفوک ؛ خدایا به رحمت و برکات و
بخشایش خود مرا فرا بگیر. سپس بر دو پا مسح
کشید و گفت : اللهم ثبتنی علی الصراط، يوم تزل
فيه الاقدام ، واجعل سعیی فیما یرضیک عنی ؛
خدایا روزی که پاها بر صراط می لغزند مرا ثابت
قدم بدار، سعی و تلاش مرا در چیزی قرار ده که
تو را خرسند می سازد. آنگاه سر خویش به
جانب محمد، پسرش بلند کرد و فرمود: ای محمد
هر کس مانند من وضو بگیرد و چون من این
اذکار را بخواند، خداوند در برابر هر قطره آب ،
برای او فرشته ای می آفریند که تقدیس و تسبیح

و تکبیر گوید و ثواب آن را تا قیامت برای او می
نویسد^۱

سوال یهود از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره وضو

گروهی از یهود خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه
و آله رسیده و مسائلی چند را از حضرت
پرسیدند، از جمله گفتند: یا محمد صلی الله علیه
و آله برای ما بگو: این چهار عضو برای چه باید
شسته شود با این که از تمیزترین مواضع بدن به

1. رازهای نماز نام مولف : آیه الله جوادی آملی

شمار می آید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
شیطان آدم علیه السلام را وسوسه کرد، آدم به
درختی که از آن نهی شده بود نزدیک شد، وقتی
به آن نگریست آبرویش رفت ، سپس ایستاد و به
طرف درخت رفت - این نخستین گامی بود که
به طرف گناه برداشته شد - سپس دست برد و از
میوه درخت برگرفت و خورد، در این هنگام ،
زیور و پوشش خود را از دست داد، دست بر سر
گذاشت و گریست ، و چون خداوند - عزوجل
- توبه او را پذیرفت ، بر او و فرزندانش واجب
کرد که همین اعضا را بشویند، پس خداوند به او

فرمان داد که چون به آن درخت نگریسته روی خویش را بشوید و چون با دو دست تناول کرده آن دو را نیز تا آرنج شستشو دهد، و چون دست بر سر گذاشت، فرمان به مسح سر داد و نیز امر به مسح دو پا فرمود، زیرا با آنها به سوی گناه رفته است.^۱

پیامبر اسلام فرمود در معراج به من گفته شد: ای محمد سرت را بلند کن، چون سر را بلند کردم، طبقات آسمان شکافته شد و پرده ها بالا رفت،

1 رازهای نماز نام مولف: آیه الله جوادی آملی

گفتند: سر فرود آور بنگر چه می بینی ! چون
نگاه کردم خانه ای دیدم مانند بیت الله شما، و
حرمی دیدم چون این حرم مسجدالحرام چنان که
اگر چیزی از دستم رها می کردم جز بر این حرم
نمی افتاد، آن گاه به من گفته شد: یا محمد، این
حرم است و تو محترم هستی و برای هر صورتی
مثالی است ، سپس به من وحی کرد که ای
محمد: به صاد نزدیک شو، اعضای سجده خویش
را بشوی و آنها را پاک گردان و بر پروردگارت
نماز بگذار؛ پس رسول خدا به صاد نزدیک شد
- صاد، آبی است که از ساق راست عرش جاری

است - و با دست راست آب را برگرفت ، بدین
سبب وضو با دست راست انجام می گیرد. سپس
خداوند به او وحی فرستاد: صورت خود را
بشوی ، که عظمت مرا خواهی نگریست ، پس از
آن دو ذراع راست و چپ را بشوی که با دستت
کلام مرا خواهی گرفت ، سپس با باقی مانده
همان آب دست ، سر و پاها را تا برآمدگی ،
مسح کن که من بر تو فرخنده می گردانم و
گامهایت را به جایی می رسانم که جز تو هیچ

کس آنجا گام ننهاده باشد. این است علت اذان و
وضو^۱

اسرار نماز

امیر مومنان علی (علیه السلام) فرمود: هنگام تکبیر
الاحرام و شروع به نماز، تاءویل نخستین تکبیر
تو از تکبیرهای هفتگانه شروع نماز این است که
وقتی الله الکبر گفتی به ذهنت چنین خطور دهی

1 رازهای نماز نام مولف : آیه الله جوادی آملی

که خداوند برتر از آن است که به وصف ایستادن
یا نشستن آید، و در گفتن الله اکبر دوم، برتر
بودن او را از حرکت یا ایستایی به خاطر آوری،
و در تکبیر سوم، برتر بودنش از جسم یا تشبیه
به مانند، یا سنجیدن به قیاس را به ذهن خطور
دهی، و در تکبیر چهارم، چنین خطور دهی که
وی برتر از آن است که اعراض در او حلول کنند
یا بیماری ها او را بیازارند، و در تکبیر پنجم، از
ذهن بگذرانی که او از وصف شدن به جوهر و
عرض منزّه است، و از حلول در چیزی و یا
حلول چیزی در او مبرا است، و در تکبیر ششم،

به خاطر آوری چیزهایی که بر پدیده ها رواست
، از قبیل نابودی ، انتقال ، تغییر از حالی به حال
دیگر، همه بر آن ذات مقدس نارواست ، و در
تکبیر هفتم ، به ذهنت خطور دهی که حواس
پنجگانه در او حلول نکرده است . اما تاءویل
کشیدن گردن در رکوع ، آن است که به ذهن
خویش چنین خطور دهی : خدایا به تو گرویدم
هر چند گردنم را بزنی ، و تاءویل سربلند کردن
از رکوع وقتی گفתי سمع الله لمن حمده ، الحمد لله
رب العالمین این است : آن کسی را سپاس می
گویم که مرا از نیستی به هستی آورد، و تاءویل

سجده اول این است که در حال سجده به ذهنت
خطور دهی خدایا مرا از زمین آفریدی ، وقتی
سر از سجده برداشتی تاءویلش آن است که مرا
از زمین بیرون آوردی ؛ تاءویل سجده دوم آن
است که مرا دگر بار به زمین بر می گردانی ؛ و
تاءویل سر برداشتن از سجده دوم آن است که به
قلبت خطور دهی بار دیگر هنگام قیامت مرا از
. خاک بیرون می آوری

تاءویل نشستن هنگام تشهد بر جانب چپ و
بالا تر قرار دادن پای راست و بر نشیمن گاه چپ
نشستن آن است که به قلبت بگذرانی بار خدایا

حق را پیا داشتیم و باطل را میراندم ؛ و تاءویل
تشهد تو، تجدید ایمان ، بازگشت به اسلام و
اقرار به برانگیخته شدن پس از مرگ است ، و
تاءویل قرائت ذکر تشهد، بزرگوار شمردن
پروردگار سبحان و بزرگ تر دانستن اوست از
آنچه ستمگران و الحاد پیشگان می گویند، و
تاءویل سلام در السلام علیکم و رحمة الله و
برکاته خواستن رحمت از خدای سبحان است ،
پس معنای سلام چنین است : برای شما از عذاب
روز قیامت ایمنی است . امیر مؤ منان علیه
السلام سپس فرمود: کسی که تاءویل نمازش را

این گونه نداند، نمازش کمبود دارد و ناقص
است.^۱

بی نماز کافر است؟

کسی که اهل نماز نیست حتی خدایی خدا را هم
حقیقتاً قبول ندارد؛ اگر چه لفظاً قبول داشته
باشد. خدا می گوید: نماز را به پا دارد! و او می
گوید: به نظر من نماز بی خود است. پس او
خود را خدا می داند و دستور نفس خودش را بر
دستور خدا ترجیح می دهد. لذا خداوند متعال در

1 رازهای نماز نام مولف: آیه الله جوادی آملی

حقّ چنین کسی فرمود: «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ
هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا — آیا دیدی
کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده
است؟! آیا تو می توانی او را هدایت کنی؟!»
(الفرقان: ۴۳) پس بی نمازی یعنی خود پرستی و
خود پرستی یقیناً در مقابل خداپرستی بوده نوعی
بت پرستی است.

خدا به چنین کسی می گوید دستت را باز کن تا
چیزی به تو بدهم و او از سر لجبازی دستش را
محکم بسته ؛ پس در این میان تقصیر خدا

چیست؟ رحمت خدا همواره و بر همگان جاری
است اما آنکه دست سوی خدا نگشوده ، و روی
از خدا برگردانده ، روشن است که چیزی از آن
نخواهد گرفت. به همین سبب است که اینها در
روز قیامت روسیاه خواهند بود و نامه ی
اعمالشان را از پشت و با دست چپ خواهند
گرفت. چون اینها پشت به خدا ایستاده اند که
نور هستی است^۱

¹<http://masjedaliasghar.ir/?p=4437>

منابع

در محضر حضرت آیت ا.... العظمی

بهجت - محمد حسین رخشاد - نشر

موسسه فرهنگی سماء

پندهای حکیمانه، علامه حسن زاده آملی

بحار الانوار، علامه مجلسی

دیوان طاق‌دیس، علامه نراقی

داستانهایی از مردان خدا، علی میرخلف
زاده

نهج البلاغه، سید رضی

غرر الحکم، ابوالفتح آمدی

میزان الحکمه، محمدی ری شهری

وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی

قصص العلماء، علامه تنکابنی

حیات عارفانه فرزندگان، حسن صدری

مازندرانی. انتشارات: میراث ماندگار

کرامات علماء، مرکز تنظیم و نشر آثار ایه
الله بهجت

آداب الصلوه، امام خمینی

مهربان تر از مادر، حسن محمودی، انتشارات
مسجد جمکران

من لایحضر الفقیه، شیخ صدوق

موسسه جهانی سبطین

اخلاق حسنه، ملامحسن فیض کاشانی،

ترجمه محمد باقر ساعدی، انتشارات پیام
آزادی، تهران.

رازهای نماز - نام مؤلف : آیه الله

جوادی آملی

مصباح الشریعة، منسوب به امام جعفر

صادق علیه السلام

مستدرک الوسائل، علامه میرزا حسین

نوری

علم الیقین، علامه مجلسی

مرآة العقول، علامه مجلسی

اصول کافی، شیخ کلینی

روزنامه کیهان ۱۳۹۰/۰۶/۲۱

<http://www.dana.ir/news/678488.html>

<http://boostanenamaz.parsiblog.com/Posts/33/>

<http://buyesib.com/878/>آخوند-

ملا-محمد-کاشانی-کاشی

kash-
kool.blogfa.com/9312.aspx
sarcheshmeyehagh.blogfa.com/

<http://merajh.blogfa.com/post/687>

<http://fa.shafagha.com/news/314196>

<http://masjedaliasghar.ir/?p=4437>

فهرست

مقدمه ۳

ما برای نماز خواندن خلق شده ایم ۶

نماز با خشوع بالاترین لذت معنوی ۷

عنایت امام رضا (ع) در حق علامه

طباطبائی ۹

نماز با خشوع ۱۱

علت رحلت بعضی بزرگان در نماز ۱۵

داستان جوان عاشق ۱۶

کسانی که مشکل دارند رو به نماز
بیاورند ۱۹

علامت های نماز با خشوع ۳۰

نماز ایه الله محمد جواد انصاری ۴۰

معجزه نماز آیه الله قمی ۴۵

توصیف و تعریف نماز از دیدگاه امام
خمینی ۴۷

چه اعمالی باعث می شود بر کمال نماز
افزوده شود ۵۴

حضور قلب ۶۰

نماز نیکو ۶۱
نگاه کریمانه ۶۳

راه خشوع در نماز چیست؟ ۷۲

انقدر شعیب گریه کرد که نایینا شد ۷۹
دور کردن همه‌ی آنچه که موجب دل
مشغولی و حواس پرتی می شود ۸۱

چیزهایی که در نماز مکروه است ۸۶

نماز را در اول وقتش بجا آوردن ۸۸

از آداب مهمه قلبیه عبادات، خصوصا
عبادات ذکریه، طمأنینه است. ۹۸

نماز را وقتی نشاط دارد بخواند. ۱۰۶

عالی ترین ذکر خدا نماز است ۱۱۴

حقیقت و ملکوت نماز چیست؟ ۱۱۹

نماز و تربیت ۱۴۰

مکاشفه درباره یک عارف بزرگ ۱۵۶

امام صادق (علیه السلام) در نماز بیهوش

شد ۱۵۷

حقیقت و واقعیت نماز از دیدگاه امام

خمینی ۱۵۸

نماز حقیقی، معراج واقعی است ۱۶۵

هیچوقت نماز شبش ترک نشد ۱۸۱

امیرالمومنین علی (علیه السلام) چگونه وضو

گرفت؟ ۱۸۴

حقیقت. نماز!

سوال یهود از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

درباره وضو ۱۸۹

اسرار نماز ۱۹۴

بی نماز کافر است؟ ۱۹۹